

نقد و بررسی ماده‌ی ۲۳ لایحه‌ی حمایت از خانواده

(مصوب ۱۳۸۶ هیئت وزیران)

محمد تقی رفیعی *

چکیده

خانواده به عنوان باهویت‌ترین نهاد اجتماعی همواره جایگاه ویژه‌ای در میان تأسیسات حقوقی به خود اختصاص داده است. اخیراً لایحه‌ی حمایت از خانواده که بنا به پیشنهاد قوه‌ی قضائیه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۸۶/۴/۳ هیئت وزیران به تصویب رسیده از جهات مختلف از سوی حقوق‌دانان و صاحب‌نظران تجزیه و تحلیل شده است. در این پژوهش، ماده‌ی ۲۳ این لایحه که از اهمیت خاصی برخوردار است با رویکرد حقوقی - اجتماعی به تعدد زوجات نقد و بررسی شده است. در این لایحه، احراز توانایی مالی مرد برای اجازه‌ی اختیار همسر بعدی از دادگاه تنها شرط تعدد ازدواج محسوب شده است. از سویی، در این لایحه صرفاً تعهد اجرای عدالت بین همسران، که می‌تواند صورتی باشد و همچنین فاقد مستند فقهی و بدون ضمانت اجرای مدنی و کیفری است، مقرر شده که در حقیقت نادیده گرفتن ضرورت احراز اجرای عدالت به عنوان یکی از شرایط اساسی تعدد زوجات است.

کلید واژه

ماده‌ی ۲۳ لایحه‌ی حمایت از خانواده ۱۳۸۶، تعدد زوجات، رضایت همسر اول، شرط عدالت در تعدد زوجات، حقوق زنان.

* - استادیار دانشکده حقوق پردیس قم دانشگاه تهران.
- تاریخ دریافت: ۸۹/۲/۳۰ تاریخ تأیید: ۸۹/۷/۲۲

مقدمه

حقوق زنان در جامعه‌ی نوپای اسلامی ما و در سطوح مختلف جهانی موضوعی کاملاً راهبردی است. نگاه قانون‌گذاران در جمهوری اسلامی ایران به حقوق زنان نمی‌تواند و نباید نگاهی گذرا باشد. حقوق زنان مسئله‌ای کاملاً اصولی، زیربنایی و در سطح مسائل کلان تلقی می‌شود. از این رو باید در وضع قانون حقوق خانواده و به ویژه حقوق زنان، مطالعات راهبردی علمی در زمینه‌های روان‌شناختی، جامعه‌شناختی، فقهی و حقوقی به نحو شایسته انجام گیرد. جمهوری اسلامی ایران که در صدد ارائه‌ی الگویی مطلوب از یک جامعه‌ی ارزشی و دینی است باید در حقوق زنان نیز سخن نخست و متعالی را به ارمغان آورد و این مهم محقق نخواهد شد جز اینکه زن و حقوق آنان در ذهنیت فرهنگی - اجتماعی جامعه و از سویی در اندیشه‌ی قانون‌گذاران، جایگاه واقعی خویش را باز یابد. زن حق دارد که حقوق خویش را بشناسد و جامعه و دولت وظیفه دارد این حقوق را محترم بشمارد. در ایران همواره در جهت حمایت از خانواده، قوانینی وضع شده که آخرین آنها لایحه‌ی جدید حمایت خانواده مصوب ۱۳۸۶ هیئت وزیران است. این لایحه که با هدف رفع ابهام و تعارض از قوانین خانواده و به دلیل وجود خلأهای قانونی در این زمینه و در جهت تطبیق قوانین با واقعیت روز توسط معاونت حقوقی و توسعه‌ی قضایی قوه‌ی قضائیه در سال ۱۳۸۶ تدوین شد، به هیئت دولت تقدیم گردید. در دولت تغییرات مهمی مانند لغو الزامی بودن حضور بانوان دارنده‌ی پایه‌ی قضایی در دادگاه خانواده، واگذار کردن ثبت ازدواج‌های

موقت به آئین‌نامه و اضافه کردن ماده‌ی ۲۳ درباره‌ی تعدد زوجات در لایحه‌ی ارسالی قوه‌ی قضائیه ایجاد شد که این تغییرات نه تنها در راستای تأمین اهداف اولیه نبوده بلکه در برخی موارد در نقطه‌ی مقابل آن است. کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس نیز در این لایحه و به ویژه ماده‌ی یاد شده تغییراتی داد. در هر صورت لایحه‌ی دولت به دلیل ناقص و مبهم بودن از سوی حقوق‌دانان و سایر صاحب‌نظران نقد و بررسی شد و شاید به همین دلیل تاکنون به تصویب نهایی مجلس نرسیده است. از جمله مواد این لایحه که نیاز به تجزیه و تحلیل و بازنگری دارد، ماده‌ی ۲۳ است که به تعدد زوجات پرداخته است. به نظر می‌رسد این لایحه در این زمینه نسبت به قانون لایحه‌ی حمایت خانواده مصوب ۱۳۴۶ و ۱۳۵۳ ناقص و مبهم است. نگاه قانون‌گذار به تعدد زوجات در این لایحه، یک نگاه سطحی و بدون توجه به واقعیت‌های روز است. احراز توانایی مالی مرد تنها شرط تعدد زوجات قلمداد شده و به آثار اجتماعی، روانی و حقوقی آن برای همسر اول و فرزندان توجهی نشده است. از این رو، در این پژوهش ضمن نقد و بررسی ماده‌ی ۲۳ لایحه مصوب ۱۳۸۶، تعدد زوجات با رویکرد حقوقی - اجتماعی تبیین گردیده است. در این مقاله مفاهیم و پیشینه‌ی تاریخی تعدد زوجات بررسی و رویکرد اجتماعی به تعدد زوجات به اختصار و به دلیل تعمیق بخشیدن به رویکرد حقوقی مطالعه شده است. در نهایت، رویکرد حقوقی به تعدد زوجات با مطالعه‌ی تعدد زوجات در قانون مدنی ایران و قوانین حمایت خانواده مصوب ۱۳۴۶ و ۱۳۵۳ در جهت سیر منطقی بحث

و پیشینه‌ی قانونی لایحه‌ی جدید، انجام گرفته است. همچنین، در لایحه‌ی جدید موضوعات محدودیت تعدد زوجات در نکاح دائم، رضایت همسر اول و شرط عدالت نقد و بررسی گردیده است.

(۱) مفاهیم و پیشینه‌ی تاریخی تعدد زوجات

شایسته است پیش از ورود به مباحث اصلی پژوهش، مفاهیم ازدواج، تعدد زوجات و پیشینه‌ی تاریخی آن که در بررسی موضوع مورد مطالعه حائز اهمیت‌اند تبیین گردد.

۱-۱) تعریف ازدواج

شاید در ابتدا چنین به نظر آید که بدیهی بودن مفهوم ازدواج ما را بی‌نیاز از ارائه‌ی تعریف می‌کند، اما نوع تلقی از ازدواج و نگاه متفاوت به اهداف آن می‌تواند تعریف متفاوتی را رهنمون سازد. برای نمونه برخی ازدواج را یک رابطه‌ی حقوقی می‌دانند که به وسیله‌ی عقد بین زن و مرد حاصل می‌گردد و به آنها حق می‌دهد که تمتع جنسی از یکدیگر ببرند (امامی ۱۳۶۶: ۲۶۸) و دسته‌ای ازدواج را رابطه‌ای حقوقی - عاطفی تلقی می‌کنند که به وسیله‌ی عقد بین زن و مرد حاصل می‌گردد و به آنها حق می‌دهد که با یکدیگر زندگی کنند و مظهر بارز این رابطه را حق تمتع جنسی می‌دانند (محقق داماد ۱۳۸۷: ۲۴) و عده‌ای ازدواج را عقد و قراردادی محسوب کرده‌اند که به موجب آن زن و مردی به منظور تشکیل خانواده و شرکت در زندگی با یکدیگر متحد می‌شوند (کاتوزیان ۱۳۷۵: ۲۰؛ صفایی و امامی ۱۳۸۱: ۲۳). به نظر می‌رسد. ازدواج

اگرچه به عنوان یک عقد یا قرارداد میان یک زن و مرد و در قالب رابطه‌ی خصوصی و به عنوان یک تأسیس حقوقی تلقی می‌شود، اما اجتماعی بودن این عقد، ما را به تعریف ازدواج با رویکرد اجتماعی به آن هدایت می‌کند، به گونه‌ای که اصلی‌ترین منبع آموزه‌های دینی یعنی قرآن نیز در معرفی آن، همه‌ی هدف‌های اجتماعی ازدواج را بیان می‌کند و نشان می‌دهد که هدف نهایی آن تنها مباح بودن استمتاع جنسی زن و مرد از یکدیگر نیست، بلکه این تأسیس به منظور اهداف و مقاصد اجتماعی مانند آرامش نفس^۱، امنیت فردی و اجتماعی^۲ و تکامل‌گرایی^۳، بنیان نهاده شده است. بدین ترتیب، با رویکرد اجتماعی به ازدواج، آن را یک نهاد اجتماعی مبتنی بر رابطه‌ی حقوقی و عاطفی با اهداف تشکیل خانواده و همکاری در زندگی مشترک تلقی نموده و بدین جهت باید آثار و شرایط آن را با توجه به این رویکرد تبیین کرد.

۱۱ - آیه‌ی ۲۱ سوره‌ی روم: «وَمِن آيَاتِهِ انْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ اَنْفُسِكُمْ اَزْوَاجًا لَتَسْكُنُوا اِيَّهَا...» یکی از آیات لطف الهی آن است که برای شما از جنس خودتان جفتی بیافرید که در بر او آرامش نفس یافته و با هم انس گیرید....

۲۲ - آیه‌ی ۲۱ سوره‌ی روم: «... و جعل بينكم موده و رحمه ان في ذلك لايات لقوم يتفكرون»... و میان شما [زوجین] رأفت و مهربانی برقرار نمود، در این امر نیز برای مردم بافکرت ادله‌ی علم و حکمت حق آشکار است.

۳ - کلینی در کتاب کافی با سند خود از پیامبر اکرم ص نقل می‌کند که فرمود: «من تزوج احرز نصف دینه، فلیتق الله فی النصف الآخر» کسی که ازدواج می‌کند نیمی از دینش را حفظ می‌کند، پس در نیم دیگر آن، باید تقوای خدا را پیشه سازد.

۱- ۲) مفهوم تعدد زوجات

مفهوم تعدد زوجات^۱، همان چندهمسری است که در مقابل تک‌همسری^۲، استفاده می‌گردد. اگرچه «واژه‌ی چندهمسری از حیث ریشه‌شناسی، چندشوهری یا چندزنی را مشخص نمی‌کند، اما کاربرد تاریخی و تبادل آن همیشه به مفهوم ازدواج مرد با بیش از یک زن بوده است» (گولد و کلب^۳: ۱۹۶۴: ۵۱۷). لازم به یادآوری است همواره منظور از تعدد زوجات چندزنی نیست بلکه حداقل آن یعنی ازدواج دوم و داشتن همسر دوم در زمان همسر و زوجه‌ی اول نیز می‌تواند مصداق تعدد زوجات باشد. بنابراین، اگر مردی پس از انحلال ازدواج اول در نتیجه‌ی طلاق، فسخ و مانند آن مجدداً ازدواج کند مشمول موضوع این پژوهش نیست. البته در اینکه تعدد زوجات، تنها ازدواج دائم را شامل می‌شود یا خیر، اختلافی است. نظر مشهور این است که تعدد زوجات که به چهار زن محدود شده^۴ در ازدواج دائم است، اما محدودیتی

1 - Polygamy: The Practice of having more than one spouse (Elizabeth A. Martin, 1997: 344) or the offence of having several wives or husband at the same time or more than one wife or husband at the same time (Henry Campbell Black, 1990: 1159)

چند همسری یا داشتن بیش از یک زن یا شوهر به طور هم‌زمان

2 - Monogamy: The Practice or custom of being married to only one person at a time (A. S Hornby, 1992: 801) تک همسری یا سنت یا عرف ازدواج نمودن تنها با یک نفر در یک زمان

3 - Gould, Julius, and William L. Kolb

۴ - محدودیت تعدد زوجات به چهار زن را در اصطلاح فقهی «استیفای عدد» گویند که یکی از موانع نکاح به شمار می‌رود. یعنی، مردی که چهار زن را در نکاح دائم خود دارد نمی‌تواند برای بار پنجم با زنی به طور دائم ازدواج کند.

در ازدواج موقت نیست (العاملی ۱۳۸۳: ۱۶۵؛ محقق حلی ۱۴۰۳: ۵۱۹؛ نجفی ۱۹۸۱: ۸)، البته برخلاف نظر مشهور، برخی از فقیهان، تنها ازدواج دائم را برای استیفای عدد شرط نمی‌دانند بلکه تعدد زوجات را شامل ازدواج موقت هم می‌دانند (جعی‌العاملی ۱۴۰۳: ۲۰۶؛ ابن‌براج ۱۴۰۶: ۲۴۳). عبارت «اختیار همسر دائم بعدی...» مندرج در ماده‌ی ۲۳ لایحه‌ی حمایت خانواده به همین منظور اشاره دارد که البته به نظر نگارنده این تلقی و برداشت می‌تواند مورد نقد قرار گیرد که در جای خود به آن پرداخته خواهد شد.

۱-۳) پیشینه‌ی تاریخی تعدد زوجات

آنچه پیشینه‌ی تاریخی در این زمینه نشان می‌دهد این است که پیش از اسلام در میان برخی ملل و اقوام مانند مادها، بابلی‌ها، آشوری‌ها، ایرانی‌ها، هندی‌ها و چینی‌ها مسئله‌ی تعدد زوجات حتی در شکل نامحدود آن وجود داشته است (سعادت هندی ۱۳۷۰: ۲۰۷). برای نمونه، در ایران عصر ساسانی، تعدد زوجات امری رایج بود و مردان گذشته از زنان عقدی

- ۱ - لا يجوز للحر ان يجمع زياده على اربع حرائر، او حرتين وامتين، او ثلاث حرائر وامه و لا للبعد ان يجمع اكثر من اربع اماء، او حرتين، او حره وامتين، و لا يباح له ثلاث اماء و حره، كل ذلك بالدوام، اما المنعه فلا حصر له على الاصح، و كذا بملک اليمين اجماعاً.
- ۲ - اذا استكمل الحر اربعا بالعقد الدائم، حرم عليه ما زاد غبطه. و لا يحل له من الاماء بالعقد، اكثر من اثنتين من جمله الاربع. و اذا استكمل العبد اربعا من الاماء بالعقد، او حرتين او حره و امتين، حرم عليه ما زاد. و لكل منهما ان ينكح بالعقد المنقطع ما شاء، و كذا بملک اليمين.
- ۳ - و فيه نظر: لان الاصل قد عدل عنه بالدليل ايتي، و الاخبار المذكوره، و غيرها في هذا الباب ضعيفه، او مجهوله السند، او مقطوعه، فاثبات مثل هذا الحكم المخالف للايه الشريفه، و اجماع باقي علماء الاسلام مشكل.
- ۴ - و لا يجوز للمتزوج متعه ان يزيد على اربع من النساء و قد ذكر ان له ان يتزوج ما شاء و الاحوط ما ذكرناه

زنان غیرعقدی نیز اختیار می‌کردند. کریستن سن^۱ می‌گوید: «اصل تعدد زوجات، اساس تشکیل خانواده در ایران زمان ساسانیان به شمار می‌رفت. در عمل تعدد زنانی که یک مرد می‌توانست داشته باشد به نسبت استطاعت او بود» (کریستن سن ۱۳۴۵: ۳۴۶). در میان اعراب نیز تعدد زوجات محدودیتی نداشت.^۲ اگرچه تعدد زوجات در گذشته‌ی تاریخ میان برخی ملل و اقوام شایع بوده، اما هم‌اکنون قلمرو این پدیده‌ی اجتماعی محدود شده است.^۳ پس با توجه به این پیشینه، آنچه مسلم است، این پدیده مربوط به اسلام نیست و از پیشنهادها و ابتکارات اسلام محسوب نمی‌گردد، بلکه اسلام آن را در چارچوب‌های ضرورت زندگی انسانی محدود ساخته و برای آن قیود و شرایط سنگینی مقرر داشته که در جای خود به آنها اشاره خواهد شد.

بی‌شک تک‌همسری طبیعی‌ترین و متعارف‌ترین شکل زناشویی است که اسلام پیروان خود را نسبت به چنین ازدواجی ترغیب می‌کند.^۴ برخورد اسلام با این پدیده مواجهه‌ای کاملاً امضایی است نه تأسیسی.

1 - Christensen

- ۲ - جهت مطالعه‌ی بیشتر ر.ک. مرتضی مطهری ۱۳۵۷. *نظام حقوق زن در اسلام*، قم، صدر: ص ۳۴۲؛ جرجی زیدان ۱۳۶۹. *تاریخ تمدن اسلام*، ترجمه‌ی علی جواهرالکلام، تهران، امیرکبیر: ص ۹۴۳.
- ۳ - برای مطالعه‌ی بیشتر ر.ک: جمشید بهنام ۱۳۵۲. *مقدمه بر جامعه‌شناسی ایران*، تهران، خوارزمی: ص ۶۲.
- ۴ - آیه‌ی ۳۲ سوره‌ی نور: «وانکحوا الایامی منکم و الصالحین من عبادکم و امائکم آن یكونوا فقراء یغنیهم الله من فضله و الله واسع علیم» و البته باید مردان بی‌زن و زنان بی‌شوهر و کنیزان و بندگان خود را به نکاح یکدیگر درآوردید و اگر مرد و زنی فقیرند خدا به لطف خود، آنان را بی‌نیاز و مستغنی خواهد فرمود که خدا به احوال بندگان آگاه و رحمتش وسیع است، نکته‌ی قابل توجه در این آیه این است «ایامی» که به مفهوم مردان و زنان مجرد است تشویق و ترغیب به ازدواج شده‌اند. در حقیقت، ازدواج مجردان مورد تشویق است نه ازدواج متأهلان.

مهم‌ترین و اصلی‌ترین مدرک و مستند تعدد زوجات آیه‌ی سوم سوره‌ی نساء است. در قرآن کریم آمده است: «اگر بترسید که مبادا درباره‌ی یتیمان مراعات عدل نکنید پس آن کس از زنان را به نکاح خود درآرید، که شما را نیکو و مناسب است: دو یا سه یا چهار و اگر بترسید که راه عدالت نپیموده‌اید و به آنها ستم می‌کنید، پس تنها یک زن اختیار کنید ... که این نزدیک‌تر به عدالت است و ترک ستمکاری است»^۱.

جالب اینجاست این آیه در سوره‌ی نساء درست بعد از آیه‌ای آمده است که در آن، مسائل مربوط به یتیمان بی سرپرست و بی حامی مطرح شده و رعایت حقوق آنان از سوی مسلمانان گوشزد شده است. لذا بعید نیست که تجویز تعدد زوجات از نظر قرآن طریق یا وسیله‌ای بوده باشد برای اقامه‌ی حقوق یتیمان بی سرپرست که بر عهده‌ی مسلمانان نهاده شده است. قرآن هرگز به مسلمانان توصیه نمی‌کند تا زنان متعدد اختیار کنند؛ چنین رویکردی در واقعیت امر در میان مسلمانان و غیرمسلمانان عربستان پیش از نزول آیات قرآن در خصوص تعدد زوجات وجود داشته است و لذا «توصیه» به طور طبیعی وجهی نداشته است و «تجویز» قرآن را در این رابطه به هیچ روی نمی‌توان به «توصیه» تأویل کرد. به ویژه آنکه تجویز نیز کاملاً «مشروط» است: مشروط به رعایت عدالت در حق همسران متعدد (حکیم پور ۱۳۸۲: ۲۸۳). از آیات قرآن استفاده می‌شود که جهت‌گیری کلی قرآن به هیچ روی مبتنی بر

۱ - «وان خفتم الا تقسطوا فی الیتامی فانکحوا ما طاب لکم من النساء مثنی و ثلاث و رباع، فان خفتم الا تعدلوا فواحدہ... ذلک ادنی الا تعدلوا» (نساء: ۳).

تثبیت امر «تعدد زوجات» نمی تواند باشد، بلکه بنابر اتفاق، تمایل آشکاری برای «تحدید زوجات» در آن به چشم می خورد و حتی بالاتر از آن «تک همسری» توصیه می شود.

۲) رویکرد اجتماعی به تعدد زوجات

از آنجا که نگارنده بر این باور است که رویکرد حقوقی به موضوعات و نهادها در عرصه‌ی حقوق از جمله تعدد زوجات باید با لحاظ رویکرد اجتماعی به آنها باشد،^۱ بدین منظور، نخست تعدد زوجات به عنوان یک پدیده‌ی اجتماعی و نه یک امر تأسیسی دینی بررسی می شود. در نهایت، به ضرورت مطالعه‌ی جامعه‌شناختی آن اشاره خواهد شد.

۲-۱) تعدد زوجات به عنوان یک پدیده‌ی اجتماعی

تعدد زوجات یا چندهمسرگزینی به عنوان یک پدیده‌ی اجتماعی^۲ ناشی از زمینه‌ها، آئین‌نامه‌ها و سنت‌های شکل گرفته در طول زمان، امری است تاریخی و نه دینی. به تعبیر دیگر، تعدد زوجات یک پدیده‌ی اجتماعی است، نه یک تأسیس مذهبی و حقیقت شرعیه و یا حکم تکلیفی. چنان‌که گذشت، اسلام مبتکر این پدیده نیست، بلکه این واقعیات و پدیده‌های اجتماعی‌اند که اسلام را با چندهمسرگزینی پیوند داده‌اند. در حقیقت، اسلام کوشیده است تا

۱ - ر. ک: عبدالرضا علیزاده، ۱۳۸۷. مبانی رویکرد اجتماعی به حقوق: ۲۴؛ پرویز صانعی، ۱۳۵۴. جامعه‌شناسی ارزش‌ها: ۳۲؛ ناصر کاتوزیان، ۱۳۸۲. مقدمه علم حقوق: ۱۳ و ۷۶.

2 - Social Phenomenon

با اعتراف و تحمل آنچه که همه جا و همیشه است و از آنها گریزی نیست، بر سر واقعیت‌های سرکش و خطرناک افسار زند (شریعی ۱۳۶۰: ۵۲۶). تعدد زوجات یا چندهمسرگزینی به عنوان یک پدیده‌ی اجتماعی و نه یک اصل و نهاد طبیعی پیمان زناشویی در عین اثرگذاری در دیگر رخدادها و پدیده‌های اجتماعی، از برخی از آنها اثرپذیری نیز داشته است. بنابراین، مطالعه‌ی آن از یک نگاه در قلمرو جامعه‌شناسی قرار می‌گیرد و از سوی دیگر، به دلیل آنکه عرف‌ها، عادت‌ها و سنت‌هایی که باعث ایجاد و استحکام بخشی ذهنی چندهمسرگزینی یا تک‌همسرگزینی بوده‌اند، در طول زمان گسترده شده‌اند، بررسی آن به عهده‌ی تاریخ خواهد بود؛ اما در این پژوهش، مجال پرداختن به هیچ یک از این رویکردها نیست و تنها رویکرد اجتماعی به تعدد زوجات از جهت تأثیرگذاری آن در رویکرد حقوقی در حد ضرورت و به اجمال بررسی شده است. با وجود این، پاسخ به پرسش‌های زیر در جای خود از اهمیت خاصی برخوردار است. برای نمونه اگر قائل به پیوند اسلام با واقعیت چندهمسرگزینی در بستر تاریخی و جغرافیایی هستیم، چگونه سنت دینی مسلمانان صدر اسلام در تبعیت از واقعیت اجتماعی عصرشان که تضادی هم با فرامین دینی آنها نداشته است تبیین و مشخص می‌گردد؟ آیا باید در هر عصری این سنت دینی تداوم یابد و یا تغییر در واقعیت‌های اجتماعی و عرف رایج، که منعی هم از سوی قانون‌گذار اسلام با توجه به برخی شرایط و محدودیت‌ها نداشته، سنت دینی را نیز دگرگون می‌سازد؟ (حکیم پور ۱۳۸۲: ۲۷۹). با چنین تحلیلی آیا دفاع از سنت و عرف رایج چندهمسرگزینی در

عصر ما با توجه به شرایط جدید و تأثیر زمان و مکان در تفسیر و استنباط برخی از مجوزهای دینی توجیهی خواهد داشت؟ آیا از دیدگاه حقوق اسلام «ضرورت» تعمیم‌پذیر به همه‌ی زمان‌ها و همه‌ی مکان‌هاست؟ و پرسش آخر اینکه آیا در حقوق اسلام اصل بر تک‌همسری است و چندهمسر‌گزینی امری استثناست و یا چنین اصلی استنباط‌پذیر نیست؟

با پذیرش تعدد زوجات به عنوان یک پدیده‌ی اجتماعی و تأثیرپذیری قانون از آن، این سؤال که چه علل و انگیزه‌هایی موجب می‌شود مرد متأهل اقدام به تعدد زوجات کند، از نظر جامعه‌شناختی مهم است تا از این رهگذر، تدوین قوانین و مقررات در نتیجه‌ی رویکرد اجتماعی با نیازهای جامعه‌سازگاری داشته باشد و از سویی، موجب عدالت و نظم در جامعه شود.

۲-۲) ضرورت مطالعه‌ی جامعه‌شناختی تعدد زوجات

بی‌شک، مطالعه‌ی جامعه‌شناختی تعدد زوجات جهت درک عمیق از شرایط اجتماعی این نهاد از سوی واضعان و مفسران قانون تعدد زوجات و نیز دادرسان و داوران حوزه‌ی حقوق خانواده ضروری است. در این راستا، انگیزه‌های تعدد زوجات و پیامدهای آن از نظر جامعه‌شناختی به اجمال اشاره می‌شود.

افزون بر انگیزه‌های اخلاقی برخی مردان که بدون هیچ دلیل موجه تنها به دلیل تنوع طلبی اقدام به تعدد زوجات می‌کنند، انگیزه‌های خانوادگی شامل: ازدواج تحمیلی، جلوگیری از طلاق، و اختلالات جنسی (وهبه‌الزحیلی، ۱۹۹۷: ۶۷۱) و نیز انگیزه‌های اجتماعی شامل: کسب پایگاه اجتماعی و تأمین نیروی کار

می‌تواند از انگیزه‌های تعدد زوجات محسوب شود.

در برخی از مناطق ایران به‌ویژه جوامع عشایری و روستایی با توجه به تأثیر عرف و اخلاق اجتماعی، پدیده‌ی چندهمسر گرینی جزئی از عرف و هنجارهای اجتماعی آن تلقی شده است. در این جوامع، پدیده‌ی تعدد زوجات نشانه‌ای از پایگاه و شأن اجتماعی مردان محسوب می‌شود و هر مردی که زنان بیشتری داشته باشد از موقعیت ممتازتری در روابط اجتماعی برخوردار است. در اکثر جوامع روستایی - سنتی باور بر این است که فرزندان موجب افزایش حیثیت و دارایی و منزلت اجتماعی خانواده می‌شوند و بنابراین، همیشه [از طریق ازدواج‌های متعدد] به دنبال فرزندان بیشتری هستند (مور^۱ ۱۹۸۷: ۹۹). گفتنی است که این رویکرد در برخی کشورهای دیگر از جمله کشورهای عربی و نیز افغانستان مطرح است و برخی مردان ثروتمند، داشتن زن دوم و سوم را در حکم موقعیت اجتماعی ممتاز می‌دانند. برای نمونه این برداشت در کشور قطر رواج کامل دارد به گونه‌ای که چندزنی در میان تمامی مقامات و مسئولین عالی قطری امری شایع و رایج است (رمضان‌نرگسی ۱۳۸۴: ۱۵۹).

گفتنی است در برخی از جوامع روستایی همسر اول به دلیل انجام وظیفه‌ی بیش از حد و مشکلات ناشی از آن در زمینه‌ی همسررداری، مدیریت خانه، امور خارج از خانه مانند مشارکت اجباری در کشاورزی، دامداری و مانند آن، خود زمینه‌ی تعدد زوجات را برای شوهر فراهم می‌آورد

1 - Stephen Moor

(عبدی ۱۳۷۱: ۸۰). در ایران، با توجه به فرهنگ و اخلاق عمومی جامعه غالباً اثرات منفی و حتی مخرب چندهمسر گزینی بسیار زیاد است. ولی وضعیت زنان و فرزندان این گونه افراد، به دلیل فقدان مکانیزم آمارگیری در زمینه‌ی مشکلات این خانواده‌ها و ثبت نشدن این موارد در سیستم قضایی ایران و از سویی همکاری نکردن دادگاه‌ها به دلیل حساسیت مسائل خانوادگی، از جهت آمار و ارقام روشن نیست. با وجود این، احساس شکست و تنهایی، احساس بی‌اعتمادی و تحقیر زن می‌تواند از پیامدهای تعدد زوجات برای همسر اول باشد (رمضان نرگسی ۱۳۸۴: ۱۶۳). همچنین، در برخی موارد خانواده‌ای تک‌سرپرست با پدری غایب برای فرزندان شکل می‌گیرد که می‌تواند آثار تربیتی و رفتاری نامطلوب برای فرزندان داشته باشد.

۳) رویکرد حقوقی به تعدد زوجات

تعدد زوجات که یک پدیده‌ی اجتماعی است در قالب یک نهاد حقوقی نیز ظهور دارد و بدین جهت بررسی آن از جنبه‌ی حقوقی و نقد و بررسی قانون مربوط به آن ضروری می‌نماید. در این بخش، با بررسی تعدد زوجات در قانون مدنی ایران و قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۴۶ و نیز قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۵۳، که به عنوان پیشینه‌های قانونی لایحه‌ی مورد بحث محسوب می‌شوند، وضعیت حقوقی آن در لایحه‌ی جدید حمایت خانواده، پیشنهادی قوه‌ی قضائیه و مصوب ۱۳۸۶ هیئت وزیران، نقد و بررسی می‌شود.

۳- ۱) تعدد زوجات در قانون مدنی ایران

قانون مدنی ایران، به عنوان مهم‌ترین و اصلی‌ترین مجموعه‌ی قوانین موضوعه ناظر بر روابط خصوصی افراد از جمله ازدواج، اگر چه به طور کلی و تلویحی دلالت بر این دارد که یک مرد می‌تواند زنان متعدد اختیار نماید، اما به صراحت نسبت به این امر اشاره‌ای ندارد. به رغم اینکه در گذشته و در زمان قانون‌گذاری و تدوین و تصویب قانون مدنی، تعدد زوجات به عنوان یک عرف مسلم در جامعه شایع بود و به طور طبیعی باید قانون‌گذار آن را در قانون مدنی منعکس می‌کرد با این حال، اجازه‌ی تعدد زوجات و اختیار مرد نسبت به نکاح چهار زن به صراحت در این قانون نیامده است. همچنین، قانون مدنی استیفای عدد^۱ را، که در کتب مشهور فقهی از جمله شریع با توجه به اجماعی بودن آن به عنوان یکی از موانع نکاح محسوب شده است (محقق حلی ۱۴۰۳: ۵۱۹)، در فصل سوم، در موانع نکاح نیاورده که این مسئله تأمل‌پذیر است و به نظر می‌رسد دلایل و توجیهاتی مطرح باشد. اول اینکه قانون‌گذار مایل نبوده با اختصاص دادن موادی مستقل به این موضوع به تعدد زوجات اجازه‌ی قانونی داده و راه سوء استفاده‌ی مردان را جهت تنوع‌طلبی هموار

۱ - استیفای عدد که از موانع نکاح به شمار می‌آید در اصطلاح فقهی، یعنی کسی که چهار زن دائم دارد حق ندارد زن پنجمی به عقد دائمی خود درآورد و عقد زن پنجم باطل است. قانون مدنی ایران نسبت به این مورد سکوت اختیار کرده است. البته بر خلاف نظر مشهور، بزرگانی از فقیهان مانند شهید ثانی طرفدار محدود بودن نکاح است و ازدواج موقت را نیز یکی از چهار ازدواج می‌داند (جبعی‌العالمی ۱۴۰۳: ۲۰۷). تأیید این نظر نه تنها از زینبارگی جلوگیری می‌کند بلکه با اخلاق عمومی سازگارتر است و رویه‌ی قضایی نیابستی تحت تأثیر شهرت نظر مخالف قرار گیرد (کاتوزیان ۱۳۷۵: ۹۶).

کرده باشد و اگر هم تلویحاً در برخی مواد قانون مدنی به آن اشاره شده به این علت بوده است که حکم مستفاد از آن مواد (مانند مواد ۹۰۰، ۹۰۱، ۹۴۲ و ۱۰۴۹ قانون مدنی) در باب ارث و موانع نکاح بوده و از مواردی است که قانون‌گذار نمی‌توانسته در باره‌ی آنها سکوت کند و در حقیقت اجتناب‌ناپذیر بوده است. دوم اینکه، با توجه به شرایط جامعه در زمان تدوین قانون مدنی و اختلاف نظر و دیدگاه دست‌اندرکاران قانون‌گذاری درباره‌ی تعدد زوجات، چون نویسندگان قانون مدنی نمی‌خواستند مخالفتی با نص قرآن و اجماع مسلمین داشته باشند و در عین حال نیز مایل به پذیرفتن آن در قالب قانون موضوعه نبوده‌اند، از تعدد زوجات به نحو تلویحی و غیر مستقیم و از باب ضرورت در مقام بیان احکام دیگر، مانند ارث و موانع نکاح، سخنی گفته‌اند. در هر صورت، قانون مدنی از آنجا که موضوع تعدد زوجات را مستقل و صریح مطرح نکرده است، بالتبع از شرایط ازدواج مجدد، از جمله قدرت بر اجرای عدالت و ضمانت اجرای آن، سخنی نگفته و به نظر می‌آید از نظر حقوقی در گذشته هیچ مانعی برای تعدد زوجات به جز استیفای عدد وجود نداشت. اما می‌توان گفت با پذیرش تعدد زوجات با توجه به حقوق اسلامی و طبق عرف و عادت مسلم، که مبتنی بر آن است، دادرسان در گذشته باید مفهوم عالی عدالت، (مصرح در منابع اسلامی) و احراز توانایی مرد به اجرای این عدالت را به عنوان شرایط صحت تعدد زوجات مدنظر می‌داشتند، هر چند در قانون مدنی به آنها اشاره نشده بود. بدین ترتیب، قانون مدنی در زمینه‌ی تعدد زوجات ناقص و مبهم به نظر می‌رسد و از این نظر این اشکال بر واضعان قانون مدنی وارد است.

۳-۲) تعدد زوجات در قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۴۶

قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۴۶، به رغم سکوت قانون مدنی در این خصوص و با توجه به اینکه تعدد زوجات به عنوان یک واقعیت اجتماعی و در برخی موارد به عنوان یک ضرورت نیاز به یک قالب حقوقی داشت، مقرراتی را پیش‌بینی کرد که در ضمن، جلوگیری از سوء استفاده و محدود کردن چندزنی را با ایجاد شرایط و موانعی دنبال می‌کرد. ماده‌ی ۱۴ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۴۶ مقرر می‌داشت:

هرگاه مرد بخواهد با داشتن زن، همسر دیگری را اختیار نماید، باید از دادگاه تحصیل اجازه کند. دادگاه وقتی اجازه‌ی اختیار همسر تازه خواهد داد که با انجام اقدامات ضروری و در صورت امکان تحقیق از زن فعلی، توانایی مالی مرد و قدرت او را به اجرای عدالت احراز کرده باشد. هرگاه مردی بدون تحصیل اجازه از دادگاه مبادرت به ازدواج نماید به مجازات مقرر در ماده‌ی ۵ قانون ازدواج مصوب ۱۳۱۰ محکوم خواهد شد.

این ماده در جهت حمایت از حقوق زن، تحصیل اجازه‌ی دادگاه را برای مرد در این مورد لازم می‌دانسته و از طرفی تحصیل اجازه‌ی دادگاه هم مبتنی بر احراز دو شرط بود، اول اینکه، مرد توانایی مالی داشته باشد و دوم اینکه، قدرت مرد در اجرای عدالت احراز شود. ماده‌ی یاد شده اگرچه شرط عدالت در چند همسرگزینی را لازم شمرده ولی مکانیزم احراز عدالت را مشخص نساخته به‌ویژه اگر امکان تحقیق از همسر اول وجود نداشته باشد معلوم نیست چه معیاری برای تشخیص قدرت اجرای عدالت از سوی

مرد در دست خواهد بود؟ علاوه بر این ابهام اساسی، قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۴۶ در ماده‌ی ۱۴ و دیگر مواد خود، آثار و ضمانت اجرای حقوقی تعدد زوجات بدون احراز مهم‌ترین شرط یعنی شرط عدالت مرد را بیان نکرده و صرفاً ضمانت اجرای تعدد زوجات بدون تحصیل اجازه‌ی دادگاه را، مجازات مقرر در ماده‌ی ۵ قانون ازدواج مصوب ۱۳۱۰، یعنی شش ماه تا دو سال حبس تأدیبی، پیش‌بینی کرده بود. مضاف بر اینکه با توجه به لحن ماده‌ی ۱۴ قانون حمایت خانواده یاد شده، نظر حقوق‌دانان و رویه‌ی دادگاه‌ها بر این بود که ازدواجی که بدون اجازه‌ی دادگاه واقع شده درست و نافذ است (صفایی و امامی ۱۳۸۱: ۹۷).

در هر صورت، قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۴۶ در زمینه‌ی تعدد زوجات از جهاتی کامل‌تر از قانون مدنی بود، زیرا ضمن اینکه پذیرش تعدد زوجات را مشروط اعلام کرده بود و عدالت را، به همان معنایی که در فقه اسلامی و تفسیر آیه‌ی سوم سوره‌ی نساء است، پذیرفته بود، یک نوع نظارت قضایی را برای احراز و اجرای عدالت، که با مبانی فقه اسلامی نیز مغایرتی نداشت مقرر کرد.

۳-۳) تعدد زوجات در قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۵۳

مواد ۱۶ و ۱۷ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۵۳، که جایگزین ماده‌ی ۱۴ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۴۶ گردیده‌اند، شامل مقررات جدید و تا حدودی متفاوت درخصوص اجازه‌ی اختیار همسر جدید و به عبارتی همسر دوم می‌باشد. با توجه به اهمیت مواد یاد شده

ضروری است متن کامل آنها در اینجا آورده شود. ماده‌ی ۱۶ مقرر می‌دارد:

مرد نمی‌تواند با داشتن زن، همسر دوم اختیار کند مگر در موارد زیر:

- ۱- رضایت همسر اول.
- ۲- عدم قدرت همسر اول به ایفای وظایف ناشیویی.
- ۳- عدم تمکین زن از شوهر.
- ۴- ابتلای زن به جنون یا امراض صعب‌العلاج موضوع بندهای ۵ و ۶ ماده‌ی ۸.
- ۵- محکومیت زن وفق بند ۸ ماده‌ی ۸.
- ۶- ابتلای زن به هرگونه اعتیاد مضر برابر بند ۹ ماده‌ی ۸.
- ۷- ترک زندگی خانوادگی از طرف زن.
- ۸- عقیم بودن زن.
- ۹- غایب مفقودالآثر شدن زن برابر بند ۱۴ ماده‌ی.

۸. در ماده‌ی ۱۷ این قانون آمده است:

متقاضی باید تقاضا نامه‌ای در دو نسخه به دادگاه تسلیم و علل و دلایل تقاضای خود را در آن قید نماید. یک نسخه از تقاضا نامه ضمن تعیین وقت رسیدگی به همسر اول ابلاغ خواهد شد. دادگاه با انجام اقدامات ضروری و در صورت امکان تحقیق از زن فعلی و احراز توانایی مالی مرد و اجرای عدالت در مورد بند یک ماده‌ی ۱۶ اجازه‌ی اختیار همسر جدید خواهد داد....

بر اساس ماده‌ی ۱۷ قانون یاد شده در بالا، در صورت اثبات تحقق یکی از موارد یاد شده با درخواست مرد و با احراز توانایی مالی وی و اجرای عدالت، دادگاه مجوز اختیار همسر جدید را صادر می‌کند. بر اساس همین ماده، ضمانت اجرای کیفری ازدواج بدون اخذ مجوز از دادگاه، برای مرد، سردفتر ازدواج و همسر جدید (در صورت آگاهی او به ازدواج سابق مرد) حبس جنحه‌ای از ۶ ماه تا ۱ سال بود. اما قانون‌گذار در خصوص ضمانت

حقوقی تعدد زوجات از نظر صحت، بطلان یا عدم نفوذ اشاره‌ای نداشته که به نظر می‌رسد با توجه به نظر حقوق‌دانان و رویه‌ی قضایی، چنین ازدواجی صحیح تلقی می‌گشت. البته مطابق بند ۱۰ ماده‌ی ۸ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۵۳، هرگاه زوج، همسر دیگری اختیار کرده یا نسبت به همسران خود عدالت را اجرا نکند، زن می‌توانست از دادگاه تقاضای صدور «گواهی عدم امکان سازش» و به تعبیری درخواست طلاق کند. لازم به یادآوری است که اجرای عدالت در ماده‌ی ۱۷ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۵۳، با اجرای عدالت مندرج در ماده‌ی ۱۴ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۴۶ متفاوت به نظر می‌رسد. در مجموع درباره‌ی قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۵۳ که جایگزین قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۴۶ شده است می‌توان گفت: اولاً، رضایت همسر اول را پیش‌بینی نمود که با نگاه اجتماعی به ازدواج و رعایت حق زن در زندگی مشترک بیشتر تناسب دارد. ثانیاً، اگرچه در خصوص عدم تحصیل اجازه از دادگاه از سوی مرد، ضمانت اجرای کیفری کم‌تری (حبس از شش ماه تا یک سال) نسبت به ضمانت اجرای کیفری مندرج در قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۴۶ (حبس از شش ماه تا دو سال) اتخاذ کرد، اما برای عاقد و سردفتر ازدواج، با توجه به موقعیت و نقش مهمی که در وقوع ازدواج‌های مکرر دارند و زن جدید در صورت علم داشتن به ازدواج سابق مرد نیز مجازات شش ماه تا یک سال پیش‌بینی کرده است که می‌تواند ضمانت اجرای کیفری مؤثری برای جلوگیری از ازدواج‌های مکرر بدون عذر و خارج از ضابطه‌ی قانونی باشد، اگرچه طبق

نظر شورای نگهبان در سال ۱۳۶۳ این مجازات، غیرشرعی اعلام شد (مهرپور ۱۳۷۱: ۲۶۸) و تاکنون نیز به جز عدم ثبت ازدواج برابر ماده‌ی ۶۴۵ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) مصوب خرداد ۱۳۷۵،^۱ تعدد زوجات هیچ‌گونه ضمانت اجرای کیفری ندارد.

اما در خصوص اجرای عدالت، قانون حمایت خانواده ۱۳۵۳ یک نوع عقب‌نشینی نسبت به قانون حمایت خانواده ۱۳۴۶ از خود نشان داده است، زیرا تنها عدالت نسبت به همسر اول را ملاک اجرای عدالت از سوی مرد قرار داده و حال اینکه به نظر می‌رسد این‌گونه اجرای عدالت با مفهوم عالی عدالت، یعنی همان رعایت تساوی بین زنان متعدد که شرط صحت تعدد زوجات در اسلام است، مغایرت دارد.

بدین ترتیب، قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۵۳ در زمینه‌ی تعدد زوجات نسبت به قانون مدنی کامل است و به رغم عدول از عدالت مد نظر فقه اسلامی، در مواردی نیز نسبت به قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۴۶ کامل‌تر به نظر می‌رسد.

۳-۴) تعدد زوجات در لایحه‌ی حمایت خانواده مصوب ۱۳۸۶

تعدد زوجات در ماده‌ی ۲۳ لایحه‌ی جدید حمایت خانواده، با عبارت «اختیار همسر دائم بعدی» و در تبصره‌ی آن با عبارت «تعدد زوجات» و

۱ - ماده‌ی ۶۴۵ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) مصوب خرداد ۱۳۷۵ مقرر می‌دارد: «به منظور حفظ کیان خانواده ثبت واقعه‌ی ازدواج دائم، طلاق و رجوع، طبق مقررات الزامی است. چنانچه مردی بدون ثبت در دفاتر رسمی مبادرت به ازدواج دائم، طلاق و رجوع نماید، به مجازات حبس تعزیری تا یک سال محکوم می‌گردد».

«ازدواج مجدد» و در ماده‌ی ۴۷ این لایحه نیز با عبارت «ازدواج مجدد» بیان شده است. مواد مربوط به تعدد زوجات در این لایحه عبارت‌اند از ماده‌ی ۲۳، ماده‌ی ۴۴ و ماده‌ی ۴۷. در ادامه ماده‌ی ۲۳ که مهم‌ترین ماده در این خصوص است، بررسی خواهد شد تا از این رهگذر نکات مثبت و منفی لایحه آشکار گردد. بدین جهت، محدودیت تعدد زوجات در نکاح دائم، رضایت همسر اول، شرط عدالت در ازدواج مجدد، موضوعات بحث ما در اینجا خواهند بود.

۳- ۴- ۱) محدودیت تعدد زوجات در نکاح دائم

در اینجا این پرسش مطرح است که محدودیت تعدد زوجات و رعایت استیفای عدد تنها ازدواج دائم را شامل می‌شود یا ازدواج موقت نیز مشمول این محدودیت می‌شود؟ به عبارت دیگر، آیا تعدد زوجات در نکاح دائم به چهار زن محدود می‌شود و در نکاح موقت محدودیتی ندارد؟ به علاوه، آیا تعداد همسران ناشی از تعدد زوجات موقت می‌تواند مکمل عدد (چهار زن) باشد، یا صرفاً تعداد همسران ناشی از ازدواج دائم باید حداکثر چهار زن باشد؟ و اگر بپذیریم که استیفای عدد شامل ازدواج موقت هم می‌شود در نتیجه، تعدد همسران در ازدواج موقت نیز باید حداکثر چهار زن باشد. پرسش دیگر این است که آیا شرایط صحت ازدواج مجدد از جمله احراز توانایی مالی مرد و قدرت بر اجرای عدالت تنها در خصوص نکاح دائم است یا این شرایط در مورد ازدواج موقت هم اعمال می‌شود؟ پاسخ این پرسش مبتنی بر پاسخ پرسش‌های نخستین است، یعنی اگر کسی استیفای عدد را

صرفاً در ازدواج دائم بدانند و محدودیتی برای ازدواج موقت قائل نشود، بالتبع، شرایط تعدد زوجات را منحصرأ در رابطه با ازدواج دائم لازم‌الرعايه می‌داند. در این رابطه، نظر مشهور این است که تعدد زوجات که به چهار زن محدود شده در ازدواج دائم است و در ازدواج موقت محدودیتی نیست (مکی‌العاملی ۱۳۸۳: ۱۶۵۱؛ محقق‌حلی ۱۴۰۳: ۵۱۹۲؛ نجفی ۱۹۸۱: ۸). البته برخی از فقیهان تعدد ازدواج را شامل ازدواج موقت هم می‌دانند (جعی‌العاملی ۱۴۰۳: ۲۰۶۳؛ ابن‌براج ۱۴۰۶: ۲۴۳۴). از جمله فقیهان مشهوری که نسبت به عدم محدودیت در ازدواج موقت انتقاد شدید و صریحی کرده شهید ثانی است. او معتقد است، اولاً، اصل عدم محدودیت در ازدواج موقت که از سوی موافقان مطرح شده، به سبب وجود دلیل، مستند نیست، زیرا «الاصل دلیل حیث لا دلیل». ثانیاً، روایاتی که دلالت بر عدم محدودیت می‌کنند و از سوی طرفداران آن اقامه شده است ضعیف یا مجهول‌السند یا مقطوع‌السند می‌باشند و آن‌گاه نتیجه می‌گیرند که اثبات عدم رعایت استیفای عدد در ازدواج موقت مخالف آیه‌ی

- ۱ - لا یجوز للحر ان یمجم زیاده علی اربع حرائر، او حرتین و امتین، او ثلاث حرائر و امه و لا للبعد ان یمجم اکثر من اربع اماء، او حرتین، او حره و امتین، و لا یباح له ثلاث اماء و حره، کل ذلک بالدوام، اما المنعه فلا حصر له علی الاصح، و کذا بملک الیمین اجماعاً.
- ۲ - اذا استکمل الحر اربعاً بالعقد الدائم، حرم علیه ما زاد غبطه. و لا یجوز له من الاماء بالعقد، اکثر من اثنتین من جمله الاربع. و اذا استکمل العبد اربعاً من الاماء بالعقد، او حرتین او حره و امتین، حرم علیه ما زاد. و لكل منهما ان ینکح بالعقد المنقطع ما شاء، و کذا بملک الیمین.
- ۳ - و فیه نظر: لان الاصل قد عدل عنه بالدلیل الآتی، و الاخبار المذكوره، و غیرها فی هذا الباب ضعیفه، او مجهوله السند، او مقطوعه، فاثبات مثل هذا الحکم المخالف للآیه الشریفه، و اجماع باقی علماء الاسلام مشکل.
- ۴ - و لا یجوز للمتزوج متعه ان یزید علی اربع من النساء و قد ذکر ان له ان یتزوج ما شاء و الاحوط ما ذکرناه.

تعدد زوجات یعنی آیه‌ی سوم سوره‌ی نساء است، زیرا این آیه تصریح به دو، سه و چهار زن نموده و اطلاق آن هم شامل ازدواج دائم و هم شامل ازدواج موقت می‌باشد. ثالثاً، اجماع سایر فقیهان در این امر مشکل به نظر می‌رسد (جعی‌العاملی ۱۴۰۳: ۲۰۶). و در تعبیری دیگر شهید ثانی معتقد است ادعای اجماع در عدم محدودیت، صحیح و مستدل نیست (همان، ۱۴۱۶: ۳۵۰). ابن براج نیز با استدلال به عموم آیه‌ی یاد شده در بالا، معتقد است که این محدودیت شامل محدودیت به چهار زن در ازدواج دائم و موقت می‌شود و با استناد به برخی روایات، ازدواج با بیش از چهار زن را در ازدواج موقت جایز نمی‌داند (ابن براج ۱۴۰۶: ۲۴۳). علاوه بر این، شهید ثانی معتقد است علامه حلی در کتاب *مختلف‌الشیعه* صرفاً شهرت در عدم محدودیت همسران در ازدواج موقت را نقل کرده و خود در این خصوص فتوا نداده و شاید به این دلیل بوده است که روایات دلالت‌کننده بر جواز بیش از چهار همسر در ازدواج موقت از نظر علامه حلی ضعیف بوده و نمی‌توان به آنها استدلال نمود (جعی‌العاملی ۱۴۰۳: ۲۰۹). به نظر نگارنده، با توجه به عموم آیه‌ی مذکور که شامل ازدواج دائم و موقت می‌شود و از سویی، با لحاظ اینکه در اسلام اصل تک‌همسری است و تعدد زوجات استثناست و قرآن در شرایط خاص زندگی فردی و اجتماعی به مردان اجازه می‌دهد در صورت توانایی بر اجرای عدالت در حق همسران متعدد خود، بیش از یک زن اختیار کنند (رفیعی ۱۳۸۶: ۲۲)، استدلال شهیدثانی و ابن براج دفاع‌کردنی است.

قانون مدنی نسبت به این مورد سکوت اختیار کرده است اما با وجود

این، برخی از صاحب‌نظران حقوقی، ممنوعیت بیش از چهار زن را شامل ازدواج دائم و موقت می‌دانند (کاتوزیان ۱۳۷۱: ۱۱۵؛ صفایی و امامی ۱۳۸۱: ۱۰۱؛ مهرپور ۱۳۷۱: ۱۰۱). برخی در توجیه این نظر قائل‌اند: «این نظر نه تنها از زنجارگی جلوگیری می‌کند، بلکه با اخلاق عمومی سازگارتر است و رویه‌ی قضایی نبایستی تحت تأثیر شهرت نظر مخالف قرار گیرد» (کاتوزیان ۱۳۷۵: ۹۶). همچنین بعضی معتقدند نحوه‌ی بیان روایاتی که دلالت بر جواز نکاح منقطع بدون حدّ و حصری می‌نمایند به گونه‌ای است که انسان در صدورشان از معصوم تردید می‌کند، زیرا تشریح آن برای جلوگیری از فحشا و هرج و مرج جنسی و توجه به یک ضرورت و واقعیت اجتماعی است و تشویق به تعدد زوجات موقت بدون محدودیت در واقع یک نوع زنجارگی و تنوع‌طلبی است که با فرهنگ ائمه‌ی اطهار : مطابقت ندارد. در نتیجه، قویاً به نظر می‌رسد ممنوعیت جمع بیش از چهار زن شامل نکاح دائم و منقطع هر دو می‌شود (مهرپور ۱۳۷۹: ۱۰۱-۹۹). قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۴۶ نیز نسبت به این امر سکوت اختیار کرده است، زیرا عبارت «هرگاه مرد بخواهد با داشتن زن، همسر دیگری را اختیار نماید...» دلالت بر نوع ازدواج نمی‌کند، با این حال می‌توان از شرایط اجتماعی وضع قانون و هدف از تصویب آن، که جلوگیری از سوء استفاده‌ی مردان و محدود کردن چندزنی بوده است، پی برد که قانون‌گذار معتقد به محدودیت تعدد ازدواج چه در شکل ازدواج دائم و چه در قالب ازدواج موقت بوده اما به دلیل شهرت نظر مخالف، در مقام بیان این امر نبوده و یا در حقیقت، از بیان این امر محذور بوده است.

قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۵۳ نیز به این مورد اشاره و تصریحی ندارد و ممکن است گفته شود: منظور از اختیار همسر دوم و اصولاً تعدد زوجات در این قانون، تنها ازدواج دائم است و محدودیتی برای ازدواج موقت قائل نیست، اما این نظر دفاع‌کردنی نیست، زیرا این نقض غرض است که قانون‌گذار تعدد زوجات دائمی را محدود کند ولی به مردی که یک [یا چند] همسر دائمی دارد اجازه دهد که آزادانه یک یا چند زن موقت هم بگیرد. ممکن است ازدواج موقت برای مدتی دراز باشد و تقریباً همان نتیجه‌ی ازدواج دائم از آن حاصل گردد (صفایی و امامی ۱۳۸۱: ۱۰۱). در تأیید این استدلال، هیئت عمومی دیوان عالی کشور نیز در یک رأی اصراری همین نظر را پذیرفته است. با این استدلال که همسر با نکاح دائم یا منقطع اختیار می‌شود و اطلاق ازدواج به هر دو مورد اطلاق صحیحی است و توجیه و استدلال دادگاه در حصر ماده‌ی مزبور یعنی ماده‌ی ۱۶ قانون حمایت خانواده به نکاح دائم و انصراف آن از نکاح منقطع با عموم و اطلاق ماده‌ی مزبور موافق نیست (همان: ۱۰۲).

پیشنهاددهندگان ماده‌ی ۲۳ لایحه‌ی جدید، محدودیت تعدد ازدواج را در ازدواج دائم می‌دانند و استیفای عدد را شامل ازدواج موقت تلقی نکرده‌اند، زیرا اولاً، در عبارت «اختیار همسر دائم بعدی...» قید «همسر دائم» برخلاف عبارت «همسر دیگری...» در قانون حمایت خانواده ۱۳۴۶ و عبارت «... همسر دوم...» در قانون حمایت خانواده‌ی ۱۳۵۳، صراحت دلالت بر محدودیت ازدواج، در ازدواج دائم می‌کند و از ظاهر آن محدودیتی

برای ازدواج موقت نمی‌توان استنباط کرد. در نتیجه، اجازه‌ی دادگاه پس از احراز توانایی مالی مرد و تعهد اجرای عدالت بین همسران را تنها در ازدواج دائم می‌دانند. ثانیاً، این لایحه، ثبت عقد نکاح دائم را الزامی می‌داند اما ثبت نکاح موقت را بدون الزام تابع آئین‌نامه‌ای که به تصویب وزیر دادگستری می‌رسد (تبصره‌ی ماده‌ی ۲۲) دانسته است که این تفکیک هم دلالت دارد که لایحه قائل به استیفای عدد و همچنین شرایط تعدد زوجات در ازدواج موقت نیست.

به نظر نگارنده، این نوع رویکرد به تعدد ازدواج و قائل شدن به عدم محدودیت در ازدواج موقت نه تنها زمینه‌ی سوء استفاده‌ی برخی مردان را فراهم می‌کند بلکه با اخلاق عمومی جامعه نیز سازگاری ندارد. علاوه بر آن، با توجه به رویکرد اجتماعی به تعدد زوجات که در بخش دوم به آن پرداختیم، چه ضرورتی دارد که تعدد زوجات را شامل ازدواج موقت، که از جهت شرایط، موانع و آثار مانند ازدواج دائم است، ندانیم؟ در حالی که اولاً، عدم شمولیت اجتماعی نیست. ثانیاً، فقیهان مشهوری این عدم شمولیت را مخالف آیه‌ی استنادی تعدد زوجات می‌دانند و ثالثاً، روایاتی نیز در این باب مستند است. افزون بر این، دفاع از چندهمسری در عصر ما با توجه به شرایط جدید و تأثیر زمان و مکان در تفسیر و استنباط برخی از مجوزهای دینی چه ضرورت و توجیهی خواهد داشت؟

۳ - ۴ - ۲) رضایت همسر اول

با توجه به اینکه اصولاً در قانون مدنی، موضوع تعدد زوجات مستقل مطرح نشده، بی‌شک از شرایط آن به ویژه در خصوص لزوم و عدم لزوم

رضایت همسر اول سخنی نگفته است و به نظر می‌آید از نظر حقوقی در گذشته هیچ مانعی برای تعدد زوجات به جز استیفای عدد وجود نداشت. در قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۴۶ نیز به رغم ایجاد تحول در زمینه‌ی شرایط تعدد زوجات و تأکید بر شرط اجرای عدالت از طریق قضایی، هیچ اشاره‌ای به رضایت همسر اول نشده بود. وفق ماده‌ی ۱۴ این قانون، موافقت و یا رضایت همسر اول، شرط صدور اجازه‌ی تعدد زوجات از سوی دادگاه نبود و دادگاه می‌توانست بدون رضایت همسر اول اجازه‌ی تعدد زوجات را صادر کند، هر چند دادگاه‌ها در عمل به ندرت از این اختیار استفاده می‌کردند (صفایی و امامی ۱۳۸۱: ۹۷). نخستین بار در بند ۱ ماده‌ی ۱۶ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۵۳، رضایت همسر اول به عنوان یکی از شرایط تعدد ازدواج پیش‌بینی شد. البته لازم به یادآوری است که مرد می‌توانست بر اساس سایر بندهای این ماده در موارد دیگر مانند عدم قدرت همسر اول به ایفای وظایف زناشویی و یا عدم تمکین زن از شوهر و یا عقیم بودن زن و مانند آن مستقل و بدون رضایت همسر اول درخواست تعدد زوجات را کند. در نتیجه، به نظر می‌آید بر اساس ماده‌ی ۱۶ قانون حمایت خانواده ۱۳۵۳، اگر مردی هیچ‌کدام از علل موجه برای تعدد ازدواج را نداشت، می‌توانست با رضایت همسر اول در کنار شرط تمکن مالی و شرط توانایی اجرای عدالت از دادگاه، تقاضای اجازه‌ی اختیار همسر جدید را کند. برابر ماده‌ی ۱۷ این قانون، همسر پیشین حق داشت در صورت ازدواج مجدد، حتی اگر به تعدد زوجات رضایت داده بود، تقاضای گواهی عدم امکان سازش برای طلاق نماید، در حالی که بر

اساس قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۴۳ همسر اول تنها در صورتی که زوج بدون رضایت او اقدام به تعدد زوجات می‌نمود حق طلاق داشت. در هر صورت، مواد ۱۶ و ۱۷ قانون حمایت خانواده ۱۳۵۳ هر چند نسخ نشده‌اند، ولی از یک سو با اعلام غیرشرعی بودن مجازات در آنها از سوی شورای نگهبان و از سوی دیگر، مغایرت برخی از مقررات آنها با موازین شرع مانند شرایط تعدد زوجات تقریباً خاصیت خود را از دست داده‌اند و دادگاه‌های خانواده هم چندان تمایلی به اجرای دقیق آنها ندارند (مه‌رپور ۱۳۷۹: ۱۰۶).

لایحه‌ی جدید حمایت خانواده مانند قانون مدنی و قانون حمایت خانواده ۱۳۴۶ و برخلاف قانون حمایت خانواده ۱۳۵۳ به رضایت یا اجازه‌ی همسر اول اشاره‌ای نکرده و با اینکه در ماده‌ی ۲۳ در مقام بیان شرایط تعدد زوجات بود، اما سکوت قانون‌گذار در مقام بیان، قرینه و دلیل است بر اینکه نخواسته رضایت همسر اول را شرط تعدد زوجات بداند. به نظر نمی‌آید اجازه‌ی همسر اول برای تعدد زوجات مغایرتی با حق تعدد زوجات برای مردان داشته باشد، زیرا این امر به عنوان یک شرط است. همچنان که شرط تمکن مالی و توانایی اجرای عدالت را از دیگر شرایط تعدد زوجات می‌دانیم و احراز این شرایط و یا داشتن این شرایط جهت تحقق مجوز تعدد زوجات مغایرتی با اصل حق تعدد زوجات برای مرد ندارد.

۳ - ۴ - ۳) شرط عدالت

در تنظیم روابط خانوادگی، اصل عدل یک مقیاس فراگیر و اساسی است. آنچه قرآن کریم در خصوص لزوم رعایت عدالت میان همسران به عنوان

یک شرط تأکید کرده یک نمونه است. قرار گرفتن در موقعیت چندهمسری و اصولاً ازدواج مجدد، مشروط به روابط عادلانه شده است. منظور از شرط عدالت به عنوان یکی از شرایط اساسی در ازدواج مجدد، چگونگی احراز آن و نیز شرط عدالت در قوانین موضوعه از جمله مسائلی است که باید به آنها به درستی پرداخته شود.

الف) مفهوم عدالت

ضروری است به جهت رعایت سیر منطقی بحث، نخست مستند این شرط را بررسی کرده، سپس منظور از عدالت را تبیین کنیم. اصلی ترین مستند شرط عدالت در تعدد زوجات آیه‌ی ۳ سوره‌ی نساء است. این آیه می‌فرماید: «وإن خفتن ألاّ تقسطوا فی الیتامی فانکحوا ما طاب لکم من النساء مثنی وثلاث ورباع فإن خفتن ألاّ تعدلوا فواحدة أو ما ملکت أیمانکم ذلک أدنی ألاّ تعولوا» خلاصه‌ی معنی آیه این است که می‌توانید از زنانی که پاک و خوب می‌دانید تا چهار زن بگیرید ولی اگر خوف آن دارید که بین آنها به عدالت رفتار نکنید به یکی اکتفا نمایید که این امر یعنی اکتفا به یک زن نزدیک‌تر است به اینکه از عدالت دور نیافتید و بر زن‌ها ظلم نکنید.

«فإن خفتن ألاّ تعدلوا فواحدة» یعنی به یک همسر اکتفا کنید نه بیشتر. در این آیه، خداوند حکم را بر ترس و خوف از اجرا نشدن عدالت میان زنان معلق کرده نه بر علم و این از آن جهت است که غالباً در این قبیل مواردی که وسواس نفسانی هم اثر انکارناپذیری در آن دارد، علم حاصل نشده، در نتیجه مصلحت از بین می‌رود. به عبارت دیگر، در این آیه، خداوند به همان

صراحتی که تعدد زوجات با حداکثر چهار زن را جایز دانسته، با همان تصریح در صورت ترس مرد از اجرا نکردن عدالت، آن را به تک همسری محدود کرده است. بنابراین، مردی می‌تواند اقدام به تعدد زوجات کند که اطمینان یا ظن غالب بر توانایی اجرای عدالت بین همسران خود را داشته باشد (رشیدرضا: ۳۴۹).

«ذلك أدنی ألا تعولوا» یعنی این روش (تک همسری) که تشریح شد به عدالت و عدم تجاوز به حقوق زنان متعدد نزدیک‌تر است. این جمله با حکومتی که در آن ذکر شده دلالت می‌کند که اصولاً اساس تشریح در احکام نکاح بر پایه‌ی عدل و منحرف نشدن و تجاوز نکردن به حقوق گذارده شده است (طباطبایی: ۱۳۷۶: ۲۵۸). پس از اثبات لزوم رعایت عدالت میان زنان از سوی مرد، باید منظور از عدالت را تبیین کنیم.

در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان عدالت و عدل را به «عدل حقیقی واقعی» و «عدل تقریبی عملی» تقسیم کنیم. عدل حقیقی واقعی یعنی عدل حد وسط بین افراط و تفریط، که تشخیص آن بسیار مشکل است. این قسم عدل موجب می‌شود که مرد در تشخیص حقیقت عدل بین زنان دچار حیرت شود، به ویژه از نظر تأثرهای درونی که ناشی از دل‌بستگی قلبی و محبت واقعی به زنان متعدد است. به دیگر سخن، عدل حقیقی واقعی یعنی انسان حتی از نظر تمایلات قلبی و عواطف طبیعی غیرارادی انسانی، جانب اعتدال و تساوی را رعایت کند. از آنجا که همواره تحت حیطه‌ی اختیار در نمی‌آید و خارج از قدرت انسان می‌باشد برای او تکلیف مالایطاق است و حال اینکه تکلیف

باید در حدود توانایی انسان متعارف باشد و به همین جهت، خداوند رعایت این نوع عدالت را برای مرد واجب نشمرده و آیه‌ی ۱۲۹ سوره‌ی نساء «ولن تستطيعوا أن تعدلوا بین النساء ولو حرصتم» شما هر قدر کوشش کنید نمی‌توانید در میان همسران خود عدالت و مساوات برقرار سازید، اشاره به این واقعیت دارد و نفی مطلق عدل نیست که با ضمیمه به آیه‌ی «فإن خفتن ألا تعدلوا فواحدة» نتیجه‌اش ممنوعیت مطلق تعدد زوجات باشد، بلکه آن چیزی که نفی شده، عمل حقیقی واقعی است که توضیح داده شد. این آیه (ولن تستطيعوا...) خالی از شائبه‌ی تهدید نیست، یعنی عدالت بین زنان به معنای عدالت حقیقی واقعی، حقیقتاً حد واقعی میان افراط و تفریط را رعایت کردن، از چیزهایی است که هر چند انسان بسیار خواسته باشد و آرزومند آن باشد و در آن جهت کوشش کند، قادر به اجرای آن نیست.

اما عدل تقریبی عملی و به تعبیری عدالت متعارف یعنی رعایت عدالت در جنبه‌های عملی و خارجی. در بحث ازدواج مجدد، این قسم عدل یعنی اینکه مرد تمام میل را به یک طرف به ویژه به طرف تفریط متوجه نسازد که در نتیجه زن حیران و بلا تکلیف شود، نه احساس کند که شوهر دارد و از زندگی مشترک بهره‌مند گردد و نه آزاد باشد که تکلیف خود را بداند و عدل تقریبی عملی یعنی مرد در عمل بین زنان عدل و مساوات برقرار کند، بی‌آنکه از یکی جانبداری کند حقوق آنها را ایفا کند.

بنابراین، آنچه تشریح شده و قانونی است عدالت تقریبی عملی و یا عدالت متعارف است که در بعد اخلاقی شامل خوش رفتاری و اظهار رضایت

با معاشرت آنها و حسن اخلاق است بدون آنکه مرد یا زن در رنج و زحمت قرار گیرد. عدالت تقریبی عملی در ابعاد دیگر یعنی مرد حقوق واجبه‌ی زن‌ها را یکسان ادا کند، نفقه و هزینه‌ی زندگی همه‌ی آنها را بپردازد و از لحاظ اقامت نزد آنها یکسان رفتار کند.

به هر حال، آیه‌ی «فإن خفتم»، دلیل صریحی بر مسئله‌ی جواز تعدد زوجات است، منتها با شرایط سنگین و آن حفظ عدالت تقریبی عملی است که یکی از مشکل‌ترین وظایف به شمار می‌رود. بر اساس همین آیه، اگر مرد نمی‌تواند چنین عدالتی را رعایت کند حق تعدد زوجات را ندارد و باید به همان یک همسر بسنده کند تا از ظلم و ستم بر دیگران که خود از گناهان کبیره است برکنار باشد. اسلام روی مصلحت اجتماع انسانی تعدد را اجازه داده و البته این امر را مقید و مشروط کرده که تمام این مفاسد را برمی‌دارد و آن اطمینان و یا ظنّ غالب مرد است مبنی بر اینکه می‌تواند میان زنان متعدد به عدالت رفتار کند. هنگامی که مردی به چنین اطمینانی دست یافت و مقدماتش را ارزیابی کرد، پس از آن اجازه‌ی ازدواج را دارد.

اسلام برای شرط عدالت آن اندازه اهمیت قائل شده که حتی اجازه نمی‌دهد مرد و زن دوم در حین عقد توافق کنند که زن دوم در شرایطی نابرابر و تبعیض‌آمیز با زن اول زندگی کند. یعنی از نظر اسلام، رعایت عدالت تکلیفی است که مرد نمی‌تواند با قرار قبلی با زن، خود را از زیر بار مسئولیت آن خارج کند. مرد و زن هیچ کدام حق ندارند چنین شرط غیرمشموعی را در متن عقد لحاظ کنند و در حقیقت از مصادیق شروط

باطل ماده‌ی ۲۳۲ قانون مدنی محسوب می‌شود. تعدد زوجات با این شرط اخلاقی و ضمانت اجرای شدید و سنگین به جای آنکه وسیله‌ای برای هوسرانی مرد شود، در قالب یک انجام وظیفه‌ی جدی خود را نشان می‌دهد. آنجا که مسئله‌ی عدالت و اجرای آن و انجام وظیفه مطرح شود، هوسرانی و هواپرستی و زنبازگی باید رخت بریندد. اما با وجود این، باید انصاف داد و واقعیت را نادیده نگرفت که شرط اسلامی و به ویژه شرط عدالت در ازدواج و یا ازدواج‌های مکرر رعایت نمی‌شود و اگر کسانی که اقدام به انتخاب همسر دیگری با وجود همسر می‌کنند دست کم شرط عدالت را رعایت می‌کردند شاید جای هیچ‌گونه بهانه و ایرادی نبود درحالی که این چنین نیست. به همین منظور باید اولاً، عدالت مرد را احراز کرد، ثانیاً، بی‌عدالتی و فقدان این شرط ضمانت اجرایی متناسب داشته باشد که در مباحث آینده به این دو مهم می‌پردازیم.

ب) چگونگی احراز شرط عدالت

چنانچه پیش‌تر گفته شد، شرط عدالت در مسئولیت‌های فردی، اجتماعی و خانوادگی از اهمیت و مکانت ویژه‌ای برخوردار است و بر این اساس، شرط عدالت در ازدواج مجدد، که یکی از نهادهای ویژه‌ی تأثیرگذار در مناسبات اجتماعی - حقوقی است از موارد اعتبار صحت و نفوذ چنین ازدواج‌هایی محسوب گردیده است. اما آنچه مهم است و جنبه‌ی کاربردی و عملی دارد و به این شرط اعتبار واقعی می‌بخشد چگونگی احراز آن است. بی‌شک همه‌ی شرایط صحت اعتبار عقود و قراردادها در زمان انعقاد آن بر

حسب مرد باید احراز شود، چنانچه در نظام‌های حقوقی مختلف اهلیت، به عنوان یک شرط اساسی قراردادها در هنگام ایجاد آن، باید وجود واقعی داشته و به عبارتی نسبت به طرفین آن محرز شود. سؤال اصلی در این مبحث این است که چگونه باید این شرط احراز شود و به دیگر سخن توسط چه افراد و یا نهادی احراز و اعلام صورت گیرد.

- توسط مرد

بدیهی است که در تعدد زوجات دست‌کم از نظر روابط حقوقی سه شخص مطرح‌اند. اول مردی که قصد چنین ازدواجی دارد، دوم همسر اول و شخص سوم همسر دوم و در شرایطی همسر سوم و حداکثر همسر چهارم خواهد بود. اگرچه تعدد زوجات در معنای عام شامل ازدواج‌های دوم، سوم و چهارم نیز خواهد بود اما در این مقاله تعدد زوجات به معنای خاص (یعنی اختیار کردن همسر دوم) ملاحظه خواهد شد تا به معیار کلی در ازدواج‌های مجدد به معنای عام دست یافت.

بنابراین، لازم است بررسی کنیم که آیا امکان دارد عدالت مرد توسط خود او احراز شود و اساساً چنین امری مورد نظر شارع و قانون‌گذار هست یا خیر؟ اگر در آیه‌ی استنادی شرط عدالت یعنی «فإن خفتم ألا تعدلوا» را مردان مخاطب تفسیر کنیم شاید در نگاه اول چنین به نظر آید که مسئله‌ی عدالت جنبه‌ی شخصی دارد و باید توسط خود افراد احراز شود، یعنی اگر مرد به اجرای عدالت ظن غالب یا اطمینان پیدا کرد اختیار قانونی برای تعدد زوجات را دارد و گرنه از نظر شرعی چنین اختیاری را ندارد و اگر چنین

اقدامی کرد در نهایت یک حرام شرعی را انجام داده و مشمول مجازات اخروی خواهد شد اما به دلایل مختلف چنین برداشتی با اصول و منطق احکام و نظام حقوقی اسلام سازگاری ندارد، زیرا اولاً، اگرچه به طور طبیعی و منطقی مورد حکم مندرج در آیه‌ی یاد شده، مردان می‌باشند و در خصوص ازدواج‌های متعدد نازل شده، اما دلیلی وجود ندارد که احراز شرط مندرج در حکم نیز توسط خود مردان باید صورت گیرد، زیرا حکم، کلی و در مقام بیان یک قاعده‌ی حقوقی است و موارد مشابه نیز در قرآن یافت می‌شود. ثانیاً، از آنجا که شرط عدالت در تعدد زوجات مانند شرط عدالت در مناصب و مسئولیت‌های اجتماعی همچون رهبری، قضاوت، شهادت و امثال آن به اعتبار تأثیر اجتماعی و با توجه به رعایت حقوق دیگران (مانند همسر دوم...) مطرح شده است و همان طوری که احراز عدالت در غیر از تعدد زوجات توسط خود فرد منطقی نیست و باید توسط دیگران احراز شود (مثلاً احراز عدالت گواهان توسط دادگاه و مانند آن که در تبصره‌ی ماده‌ی ۱۳۱۳ مکرر قانون مدنی آمده است). در نتیجه به اعتبار تشابه ماهیت قضیه و با تنقیح مناط باید شرط عدالت مرد در چنین ازدواجی توسط دیگران صورت گیرد و احراز توسط خود شخص توجیه حقوقی ندارد و شاید به همین جهت برخی معتقد به دخالت و اعمال اختیار حاکم در اعمال اختیاری مردم برای جلوگیری از مظالم و مفاسد است که نبود عدالت در تعدد زوجات از مصادیق بارز ظلم به دیگران و از مفاسد اجتماعی است که در جای خود بحث خواهد شد. جهت تأیید این مطلب باید گفت در ماده‌ی ۱۷ قانون

حمایت خانواده مصوب ۱۳۵۳ و نیز بند ۱۰ ماده‌ی ۸ آن، احراز عدالت مرد جهت انتخاب همسر دوم به عهده‌ی دادگاه سپرده شده است.

- توسط زن

از آنجا که در تعدد زوجات دست کم همسر اول و نیز همسر دوم ذی نفع محسوب می‌شوند، منطق حقوقی و انصاف حکم می‌کند اصلی‌ترین افرادی که باید عدالت مرد را برای چندهمسری احراز کنند همسران او باشند. زیرا یکی از دلایل و حکمت‌های شرط عدالت برای این مورد رعایت حقوق همه‌جانبه‌ی اخلاقی و مادی همسران است. از آنجا که رعایت این حقوق از جنبه‌ی فردی و شخصی هم فراتر می‌رود و به کانون خانواده به عنوان مهم‌ترین عنصر جامعه برمی‌گردد، شریعت و قانون برای چنین ازدواج‌هایی شرط سنگین اجرای عدالت را معتبر دانستند و به دیگر سخن، رعایت عدالت از سوی مرد علاوه بر جنبه‌ی حقوق خصوصی و شخصی، تا حدودی جنبه‌ی عمومی و اجتماعی دارد که این نکته باید در جای خود بحث شود. در اینجا، تنها به این نکته باید اشاره کنیم که تأثیر اجرا نشدن عدالت از سوی مرد در ازدواج‌های متعدد چه بسا موجب انحلال ازدواج اول و در نتیجه از هم پاشیدگی کانون یک خانواده، که علاوه بر زن شامل فرزندان هم خواهد شد، می‌شود و به تبع آن این امر می‌تواند زمینه‌ی بزهکاری‌های اجتماعی متعددی را فراهم سازد و به همین جهت رعایت شرط عدالت در تعدد زوجات فراتر از روابط خصوصی و زناشویی تأثیرگذار است. لذا نظر همسر اول در درجه‌ی اول تا حدودی می‌تواند در شرط احراز عدالت مرد مؤثر باشد. اگر

چه شاید گفته شود همسر اول غالباً تعدد زوجات را اجازه نمی‌دهد و با توجه به احساسات ویژه، که شاید تا حدودی هم طبیعی به نظر برسد، احراز عدالت مرد توسط وی مشکل به نظر می‌رسد. از آنجا که او اصیل‌ترین ذی‌نفع محسوب می‌شود، انصاف حکم می‌کند که نظر او مبنای مهمی برای احراز عدالت مرد باشد چنانچه در ماده‌ی ۱۷ قانون حمایت خانواده، مصوب ۱۳۵۳ آمده است: «... دادگاه با انجام اقدامات ضروری و در صورت امکان تحقیق از زن فعلی و احراز توانایی مالی مرد و اجرای عدالت در مورد بند یک ماده‌ی ۱۶ (رضایت همسر اول) اجازه‌ی اختیار همسر جدید خواهد داد». البته به نظر می‌رسد بنا بر آنچه گفته شد، نظر همسر دوم و احراز او نیز می‌تواند در چنین ازدواجی مؤثر باشد، زیرا او مانند همسر اول ذی‌نفع است و عدم عدالت مرد بر زندگی مشترک جدید با او، تأثیر می‌گذارد و از طرفی همسر دوم یکی از طرف‌های عقد تعدد زوجات است که علاوه بر قصد، او باید به چنین ازدواجی رضایت دهد و شرط اهلیت ویژه‌ی مرد، که از آن به شرط عدالت تعبیر می‌شود، باید برای او احراز شود اگرچه مانند همسر اول نمی‌تواند به احراز کامل دست یابد. البته این نکته مطرح است که اگر اعلام عدالت مرد از سوی همسرش را به عنوان شهادت تلقی کنیم آیا از آنجا که همسر او نفع شخصی در این مورد دارد می‌توان با توجه به بند ۲ ماده‌ی ۱۳۱۳ قانون مدنی شهادت او را پذیرفت یا خیر؟ و یا اساساً این مورد مشمول موضوع شهادت نمی‌شود تا حکم یاد شده بر آن صدق کند و نیز اگر در احراز عدالت مرد، زن به عنوان تنها شاهد شهادت او کافی است و در این خصوص رعایت نصاب

گواهی زنان لازم نیست؟ یا مشمول مواردی می‌شود که چون ارتباط نزدیکی با زن دارد گواهی او به تنهایی پذیرفته می‌شود؟

- توسط دادگاه

بنابر آنچه گفته شد، احراز عدالت توسط خود مرد علاوه بر اینکه برداشت تفسیری از آیه‌ی مورد استناد در این باب چنین امری را دلالت نمی‌کند با منطبق حقوقی و انصاف سازگاری ندارد؛ زیرا منجر به نادیده گرفتن حق ذی نفع اصلی (همسر اول) و ذی نفع ثانوی، با پذیرش ضرورت احراز عدالت توسط همسر دوم، خواهد شد. به همین دلیل، استدلال کردیم از آنجا که در تعدد زوجات دست کم همسر اول و نیز همسر دوم ذی نفع محسوب می‌شوند، اصلی‌ترین افرادی هستند که باید عدالت مرد را برای زندگی چندهمسری احراز کنند. با وجود این، با توجه به اینکه تعدد زوجات صرفاً یک امر شخصی نیست و اثرات اجتماعی و حقوقی آن انکارناپذیر است، لذا احراز شرط عدالت را در حیطه‌ی مسئولیت حکومت می‌دانیم. به دیگر سخن، از آنجا که اجرا یا عدم اجرای عدالت در مهم‌ترین و حساس‌ترین نهاد اجتماعی یعنی خانواده به معنای اعم تأثیر بسزایی خواهد داشت، لذا حکومت نمی‌تواند نسبت به آن بی‌تفاوت باشد بلکه باید به عنوان یک امر اجتماعی در آن دخالت کند چنانچه در احراز عدالت رهبر، قاضی و گواهان نیز به دلیل بازتاب اجتماعی آنها چنین دخالتی را می‌کند. مؤید سخن ما می‌تواند اصل ۵ و ۱۰۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برای تصدی رهبری و نیز تبصره‌ی ماده‌ی ۱۳۱۳ مکرر قانون مدنی در خصوص احراز عدالت شاهد

توسط دادگاه باشد. بنابراین، در تشخیص عدالت علاوه بر نظر همسر اول، چه به عنوان شهادت چه به عنوان اماره‌ی قانونی مندرج در ماده‌ی ۱۳۲۱ قانون مدنی، دادگاه باید با توجه به شرایط و اوضاع و احوال ناشی از رفتار و عملکرد مرد در طول زندگی مشترک نخستین و احراز عدالت بالفعل و تقریبی عملی او (چنانچه در ماده‌ی ۱۴ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۴۶ مقرر شده بود) و یا احراز قدرت عدالت به نحو بالقوه در طول زندگی مشترک میان همسران در آینده، اجازه‌ی تعدد زوجات را صادر کند. البته به نظر می‌رسد با توجه به تفسیر آیه‌ی استنادی ازدواج مجدد، احراز قدرت عدالت و رعایت تساوی در میان زنان متعدد به نحو عدالت بالقوه مطرح باشد و لذا تعبیر «فَإِنْ خِفْتُمْ» آمده است در حالی که رعایت عدالت نسبت به همسر اول و به عبارتی عدالت بالفعل خالی از وجه نیست، زیرا به نظر می‌رسد احراز عدالت موضوعیت دارد نه طریقت. بنابراین برای رسیدن به ظن غالب و اطمینان متعارف راه‌های مختلفی وجود دارد از جمله گواهی همسر اول مبنی بر توانایی اجرای عدالت مرد. شاید به همین دلیل قانون‌گذار در ماده‌ی ۱۷ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۵۳ اجرای عدالت در مورد همسر اول را مطرح کرده است که به نظر می‌رسد مابینتی با حقوق اسلامی نداشته باشد. بنابر آنچه گفته شد، دادگاه باید به عنوان حکومت و مجری عدالت، قدرت اجرای عدالت مرد را جهت تعدد زوجات احراز کند و این موضوع، علاوه بر اینکه در ماده‌ی ۱۴ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۴۶ آمده بود در ماده‌ی ۱۷ قانون حمایت خانواده‌ی مصوب ۱۳۵۳ نیز تصریح

شده که تضادی با مبانی شرعی، با توجه به آنچه توضیح داده شده، ندارد. زیرا دادگاه صرفاً شرط تعدد زوجات را، که همان اجرای عدالت و توانایی مالی و جسمی مرد می‌باشد، رسیدگی، تحقیق و در نتیجه احراز می‌کند و در حقیقت یک نوع نظارت قضایی به نمایندگی از حکومت وجود دارد. البته این نظارت جهت اجرای عدالت و جلوگیری از ظلم و انحلال زندگی مشترک از یک‌سو و از سوی دیگر پیشگیری از آسیب دیدگی نهاد اجتماعی - حقوقی خانواده، که علاوه بر همسر شامل فرزندان هم می‌باشد، محسوب می‌شود، یعنی اگر حکومت می‌تواند مردم را از این ستم‌هایی که به اسم تعدد زوجات، روا می‌دارند منع کند بدون اینکه حکم الهی مبنی بر مباح بودن تعدد زوجات را تغییر دهد، در واقع تصمیم حکومت یک تصمیم اجرایی عمومی است که برای مصلحت عموم مردم اتخاذ می‌شود، مثل موردی که کسی شخصاً تصمیم به ترک تعدد زوجات می‌گیرد و این تصمیم به منظور تغییر حکم الهی و مخالفت با آن نیست بلکه به خاطر مصلحت شخصی است که برای خود تشخیص می‌دهد و تصمیم می‌گیرد این عملی را که برای او مباح است ترک نماید (طباطبایی: ۱۳۷۶: ۲۰۷).^۱

ج - شرط عدالت در قوانین موضوعه

قانون مدنی که به دلایلی به طور مستقل به تعدد زوجات اشاره‌ای نداشته، بالتبع از شرایط آن از جمله شرط عدالت و چگونگی احراز آن سخنی نگفته

۱ - ر. ک: محمدتقی رفیعی. «شرط عدالت در ازدواج مجدد در حقوق ایران»، مجموعه مقالات همایش بررسی وضعیت حقوق زنان در نظام حقوقی ایران: صص ۱۵۷ - ۱۱۶.

است. مسلماً در گذشته رعایت عدالت و التزام به آن جز به طور شخصی و بر اساس اعتقادات مذهبی و اخلاقی از سوی مردانی که اقدام به تعدد زوجات می‌کردند هیچ ضمانت اجرای مدنی و کیفری نداشته و هیچ‌گونه نظارتی از سوی دادگاه‌ها نسبت به آن اعمال نمی‌شده است. نخستین بار، قانون حمایت خانواده ۱۳۴۶ در ماده‌ی ۱۴ خود مقرر کرد: «دادگاه وقتی اجازه‌ی اختیار همسر جدید خواهد داد که با انجام اقدامات ضروری، قدرت مرد را به اجرای عدالت احراز کرده باشد». در حقیقت، این ماده که مبنایی با حقوق اسلامی نداشت درباره‌ی یکی از شرایط تعدد زوجات در اسلام، که همان رعایت تساوی بین زنان متعدد است، مقرره‌ای وضع کرد. این قانون از این جهت نیز نسبت به قانون مدنی کامل و منطبق با احکام اسلامی به نظر می‌رسید. همچنین ماده‌ی ۱۷ قانون حمایت خانواده ۱۳۵۳ که جایگزین ماده‌ی ۱۴ قانون حمایت خانواده ۱۳۴۶ شد، پیش‌بینی کرد که دادگاه با انجام اقدامات ضروری در جهت احراز اجرای عدالت در مورد همسر اول اجازه‌ی اختیار همسر جدید را خواهد داد. اگرچه قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۵۳ از قدرت اجرای عدالت در میان زنان متعدد به گونه‌ای عدول و به احراز اجرای عدالت تنها نسبت به یک زن بسنده کرد و در حقیقت، مفهوم عالی عدالت را که در حقوق اسلامی وجود داشته مدنظر نداشت اما در هر صورت، احراز عدالت نسبت به همسر اول را شرط صدور اجازه‌ی تعدد زوجات قرار داده بود. لازم به یادآوری است می‌توان گفت احراز عدالت بر اساس ماده‌ی ۱۴ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۴۶، احراز قدرت بالقوه‌ی اجرای عدالت از سوی مرد بود، زیرا در

زمان درخواست تعدد زوجات از سوی مرد، زنان متعددی وجود نداشت که بتوان قدرت اجرای عدالت را ارزیابی و احراز کرد و به همین جهت چنین احرازی را می‌توان احراز بالقوه‌ی اجرای عدالت نامید. اما احراز عدالت را بر اساس ماده‌ی ۱۷ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۵۳ می‌توان گونه‌ای احراز بالفعل اجرای عدالت نامید، زیرا وجود همسر اول و اجرای عملی و فعلی عدالت نسبت به او می‌توانست زمینه‌ای برای احراز بالفعل اجرای عدالت باشد. به هر حال، قانون حمایت خانواده ۱۳۵۳ نیز تا حدودی در تلاش بود که اجرای عدالت را که شرط تعدد زوجات در حقوق اسلامی بود مدنظر قرار دهد تا از این رهگذر، از سوء استفاده‌ی مردان جلوگیری نماید و تا حدودی از حقوق زن یعنی همسر اول حمایت کند. اما در ماده‌ی ۲۳ لایحه‌ی جدید حمایت خانواده نه تنها به مفهوم عالی عدالت در قانون حمایت خانواده ۱۳۴۶ توجهی نشد، حتی مفهوم عدالتی که در قانون حمایت خانواده ۱۳۵۳ مطرح بود نادیده گرفته شد. در حقیقت، در لایحه‌ی جدید، احراز توانایی مالی مرد برای اجازه‌ی اختیار همسر بعدی از دادگاه، تنها شرط تعدد ازدواج است، زیرا تنها به «تعهد اجرای عدالت بین همسران» اشاره کرده است. تعهد اجرای عدالت مندرج در این لایحه از جهات مختلف اشکال دارد:

با توجه به اینکه قدرت اجرای عدالت میان همسران که از تفسیر آیه‌ی سوم سوره‌ی نساء مستفاد است و به عنوان یکی از شرایط تعدد ازدواج در فقه اسلامی پذیرفته شده است، مستند و مدرک فقهی تعهد به اجرای عدالت به عنوان شرط تعدد زوجات چیست؟

صرف تعهد دادن مبنی بر اجرای عدالت که از سوی هر مردی به آسانی امکان دارد، در حقیقت، نادیده گرفتن ضرورت احراز بالقوه و بالفعل اجرای عدالت است که در مغایرت آشکار با شرط تعدد زوجات در اسلام است. شرط اجرای عدالت و احراز آن، همانند شرط احراز توانایی مالی مرد، در حقیقت شرط مقدم و اساسی صحت تعدد زوجات است که بدون آن تعدد زوجات صحیح نیست. پیشنهاددهندگان این لایحه بر خلاف موازین حقوقی، این شرط را نادیده گرفته و تنها به یک تعهد اکتفا کرده‌اند. در صورت عدم اجرای مفاد تعهد از سوی مرد، چه ضمانت اجرای مدنی و کیفری پیش‌بینی شده است؟ در این مورد نیز این لایحه بسیار ناقص است. با مد نظر قرار دادن این اشکالات جدی نسبت به موضوع عدالت، می‌توان گفت این لایحه در خصوص شرط اجرای عدالت در تعدد زوجات بر خلاف اصل چهارم قانون اساسی^۱ تنظیم شده است.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

تک‌همسری طبیعی‌ترین و متعارف‌ترین شکل زناشویی است. تعدد زوجات از ابتکارات اسلام نبوده بلکه آن را به عنوان یک پدیده‌ی اجتماعی با توجه به مصالحی و در شرایط استثنایی و مشروط به شرایطی از جمله رعایت عدالت میان همسران به شکل امضایی پذیرفته است. تعدد زوجات یک مسئله‌ی شخصی

۱ - اصل چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مقرر می‌دارد: «کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشند...».

نیست و باید قانون‌گذار با رویکرد اجتماعی و حقوقی و با احراز شرایط لازم به عنوان شرایط صحت چنین ازدواجی آن را اجازه دهد. لایحه‌ی جدید حمایت خانواده مصوب ۱۳۸۶، برخلاف قوانین حمایت خانواده مصوب ۱۳۴۶ و ۱۳۵۳ در زمینه‌ی تعدد زوجات بسیار ناقص و مبهم است. برای نمونه، ماده‌ی ۲۳ این لایحه، نه تنها به مفهوم عالی عدالت در قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۴۶، که شرط تعدد زوجات در اسلام است، توجهی نکرده بلکه مفهوم عدالتی را که در قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۵۳ مطرح بود نادیده گرفته است. قانون‌گذار جدید، احراز توانایی مالی مرد را تنها شرط تعدد ازدواج دانسته، زیرا صرفاً به تعهد اجرای عدالت بین همسران که علاوه بر اینکه مستند فقهی ندارد، فاقد ضمانت اجرای مدنی و کیفری می‌باشد، اشاره کرده است. لایحه‌ی جدید، بدون توجه به واقعیت جامعه و مقتضیات زمان و مکان، رضایت همسر اول را شرط تعدد زوجات نمی‌داند و به نظر می‌رسد علاوه بر اینکه چنین شرطی نمی‌تواند نامشروع باشد، دارای آثار و فواید فراوانی در جهت حسن معاشرت زوجین، تشدید مبانی خانواده و استحکام و ثبات آن است.

در جهت حفظ مصلحت خانواده‌ها و جلوگیری از سوء استفاده‌ی برخی مردان از تعدد زوجات و تثبیت نظارت قضایی و با استفاده از ماده‌ی ۱۴ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۴۶، مواد ۸، ۱۶ و ۱۷ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۵۳، ماده‌ی ۱۰۴۳ و تبصره‌ی ماده‌ی ۱۰۴۴ و ماده‌ی ۱۰۴۹ قانون مدنی و اصل ۱۷۱ قانون اساسی و مواد ۲۳ و ۴۷ لایحه‌ی جدید حمایت خانواده مصوب ۱۳۸۶ هیئت دولت، مواد ۲۳ و ۲۴ با تبصره‌های چهارگانه

آن به عنوان جایگزین ماده ۲۳ لایحه‌ی اخیر، پیشنهاد می‌شود:

ماده ۲۳- اختیار همسر دائم و موقت بعدی از سوی مرد با داشتن همسر، منوط به اجازه‌ی دادگاه پس از احراز موارد زیر به صورت توأمان است:
 ۱- توانایی اجرای عدالت میان همسران. ۲- توانایی مالی مرد. ۳- رضایت همسر یا همسران فعلی. دادگاه با انجام اقدامات ضروری باید اطمینان به شرایط سه گانه مذکور حاصل نماید.

تبصره ۱. هرگاه مرد بدون تحصیل اجازه از دادگاه، مبادرت به ازدواج نماید، صحت چنین ازدواجی منوط به تنفیذ دادگاه است. همچنین، مرد علاوه بر مجازات حبس تعزیری از شش ماه تا یک سال مسئول جبران خسارت‌های مادی و معنوی همسر یا همسران فعلی خود است.

تبصره ۲. هرگاه دادگاه در اثر تقصیر یا اشتباه اجازه‌ی تعدد زوجات را صادر نماید، در صورت تقصیر، مقصر در برابر ضرر مادی یا معنوی همسر یا همسران فعلی زوج ضامن است.

تبصره ۳. هر عاقدی که عالم به ازدواج سابق مرد باشد و اقدام به اجرای صیغه‌ی تعدد زوجات نماید، علاوه بر حبس تعزیری از شش ماه تا یک سال مسئول جبران خسارت‌های مادی و معنوی همسر یا همسران فعلی زوج است.

تبصره ۴. هر سردفتری که بدون اجازه‌ی دادگاه اقدام به ثبت تعدد زوجات نماید، علاوه بر حبس تعزیری از شش ماه تا یک سال، مسئول جبران خسارت‌های مادی و معنوی همسر یا همسران فعلی زوج است و به انفصال دائم از شغل سردفتری محکوم می‌شود.

ماده ۲۴ - در موارد زیر رضایت همسر یا همسران فعلی جهت تعدد زوجات لازم نیست، اما در هر صورت اجازه‌ی دادگاه پس از احراز موارد اول و دوم ماده‌ی ۲۳ ضروری است:

۱. عدم قدرت همسر اول به ایفای وظایف زناشویی؛
۲. عدم تمکین زن از شوهر؛
۳. ابتلای زن به جنون یا امراض صعب‌العلاج به نحوی که دوام زناشویی برای طرف دیگر در مخاطره باشد؛
۴. محکومیت زن به حکم قطعی به مجازات پنج سال حبس یا بیشتر یا به جزای نقدی که در اثر عجز از پرداخت منجر به پنج سال بازداشت شود یا به حبس و جزای نقدی که مجموعاً منتهی به پنج سال یا بیشتر حبس و بازداشت شود و حکم مجازات در حال اجرا باشد؛
۵. ابتلای زن به هرگونه اعتیاد مضر که به تشخیص دادگاه به اساس زندگی خانوادگی خلل وارد آورد و ادامه‌ی زندگی زناشویی را غیرممکن سازد؛
۶. ترک زندگی خانوادگی از طرف زن؛
۷. عقیم بودن زن؛
۸. غائب مفقودالاثرا شدن زن.

منابع

- ◀ قرآن کریم
- ◀ ابن براج الطرابلسی، قاضی عبدالعزیز، ۱۴۰۶. /المهذب، قم، النشر الاسلامی، ج ۲.
- ◀ ابوخلیل، شوقی، ۱۳۵۵. /سلام در زندان/ اتهام، ترجمه‌ی حسن اکبری مرزناک، تهران، بعثت.

- ◀ ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان و موج دوم: یافته‌های پیمایش ملی در ۲۸ استان کشور، ۱۳۸۲. تهران، دفتر انتشارات طرح‌های ملی.
- ◀ امامی، سیدحسن، ۱۳۶۶. حقوق مدنی، تهران، کتابفروشی اسلامیة، ج ۴.
- ◀ بهنام، جمشید، ۱۳۵۲. مقدمه بر جامعه‌شناسی ایران، تهران، خوارزمی.
- ◀ جبعی‌العاملی، زین‌الدین بن علی (شهید ثانی)، ۱۴۰۳ق. الروضة البهیة فی شرح المعنیة الدمشقیة، قم، دارالهادی للمطبوعات.
- ◀ _____، ۱۴۱۶. مسالک الافهام الی تنقیح شرایع الاسلام، قم، المعارف الاسلامیه.
- ◀ حکیم‌پور، محمد، ۱۳۸۲. حقوق زن در کشاکش سنت و تجدد، تهران، نغم نواندیش.
- ◀ دورانت، ویل، ۱۳۷۰. تاریخ تمدن، ترجمه‌ی احمد آرام، ع. پاشایی، و امیرحسین آریان‌پور، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- ◀ رشیدرضا، سیدمحمدرضا. تفسیر المنار، تقریرات درس شیخ محمدعبد، بیروت، دارالمعرفه، ج ۴.
- ◀ رفیعی، محمدتقی. «بررسی جامعه‌شناختی - حقوقی تک‌همسری در ایران»، مطالعات زنان، سال ۵. ش ۳، (۱۳۸۶).
- ◀ رفیعی، محمدتقی. «شرط عدالت در ازدواج مجدد در حقوق ایران»، مجموعه مقالات همایش بررسی وضعیت حقوق زنان در نظام حقوقی ایران، (۱۳۸۲)، دانشگاه مازندران.
- ◀ رمضان نرگسی، رضا. «بازتاب چند همسری در جامعه»، کتاب زنان، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان، سال ۷، ش ۲۷ (بهار ۱۳۸۴).
- ◀ الزحیلی، وهبه، ۱۴۱۸. الفقه الاسلامی و ادلته، بیروت، دارالفکر المعاصر، ج ۹.
- ◀ زیدان، جرجی، ۱۳۶۹. تاریخ تمدن اسلام، ترجمه‌ی علی جواهرالکلام، تهران، امیرکبیر.
- ◀ سعادت‌هندی، امیرعلی، ۱۳۷۰. تاریخ سیاسی و اجتماعی اسلام، ترجمه‌ی ایرج رزاقی و محمدمهدی حیدرپور، مشهد، آستان قدس رضوی.
- ◀ شریعتی، علی. «اسلام‌شناسی» (درس‌های دانشگاه مشهد)، مجموعه آثار، ش ۳۰ (تهران، چاپخش، ۱۳۶۰).

- ◀ شورای عالی انقلاب فرهنگی، منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران، مصوب جلسه‌ی ۵۴۶ مورخ ۳۱ / ۶ / ۱۳۸۳.
- ◀ صانعی، پرویز، ۱۳۵۴. جامعه‌شناسی ارزش‌ها، تهران، جار.
- ◀ صدر، حسن، ۱۳۵۷. حقوق زن در اسلام و اروپا، تهران، جاویدان.
- ◀ صفایی، سیدحسین و اسدالله امامی، ۱۳۸۱. مختصر حقوق خانواده، تهران، میزان.
- ◀ طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۳۷۶. المیزان فی تفسیر القرآن، تهران، ج ۴.
- ◀ علیزاده، عبدالرضا، ۱۳۸۷. مبانی رویکرد اجتماعی به حقوق، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ◀ قاسم‌زاده، سیدمرتضی، ۱۳۸۴. «تعدد زوجات» در بررسی تطبیقی حقوق خانواده، تهران، دانشگاه تهران.
- ◀ محقق حلی، ابوالقاسم نجم‌الدین جعفرین الحسن، ۱۴۰۳. شرایع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام؛ مع تعلیقات السید صادق شیرازی، بیروت، مؤسسه الوفاء، ج ۲ - ۱.
- ◀ محقق داماد، سیدمصطفی، ۱۳۸۷. بررسی فقهی حقوق خانواده، تهران، علوم اسلامی.
- ◀ مطهری، مرتضی، ۱۳۵۷. نظام حقوق زن در اسلام، قم، صدرا.
- ◀ مهرپور، حسین، ۱۳۷۱. مجموعه نظریات شورای نگهبان، تهران، کیهان.
- ◀ _____، ۱۳۷۹. مباحثی از حقوق زن، تهران، اطلاعات.
- ◀ مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۸۷. ترجمه قرآن کریم و شرح آیات منتخب، تهران، تابان.
- ◀ مکی‌العاملی، محمدبن جمال‌الدین (شهید اول)، ۱۳۸۳. اللمعه الدمشقیه، تهران، دارالفکر.
- ◀ نجفی، محمدحسن، ۱۹۸۱. جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ج ۳۰.
- ◀ نفیسی، سعید، ۱۳۴۴. تاریخ اجتماعی ایران، تهران، مطالعات و تحقیقات اجتماعی، ج ۱.
- ◀ کاتوزیان، ناصر، ۱۳۷۱. حقوق مدنی خانواده (نکاح و طلاق)، تهران، شرکت انتشار با همکاری بهمن برنا، ج ۱.
- ◀ _____، ۱۳۷۵. حقوق خانواده، تهران، یلدا.

- ◀ _____، ۱۳۸۲. مقدمه علم حقوق، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- ◀ کریستن سن، آرتور، ۱۳۴۵. *ایران در زمان ساسانیان*، ترجمه‌ی رشید یاسمی، تهران، امیرکبیر.
- ◀ قانون حمایت خانواده، مصوب ۱۳۴۶.
- ◀ _____، مصوب ۱۳۵۳.
- ◀ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده)، مصوب ۱۳۷۵.
- ◀ قانون مدنی ایران.
- ◀ لایحه‌ی جدید حمایت خانواده، مصوب ۱۳۸۶.
- Black, Henry Campbell 1990. *Black's Law Dictionary*, United States of America.
- Cotterrell, Roger 1984. *The Sociology of Law, An Introduction*, Butterworths.
- Gould, Julius and William L. Kolb 1964. *A Dictionary of the Social Sciences*, London, England: Tavistock Publications.
- Hornby A. S 1992. *Oxford Advanced Learner's Dictionary*, Oxford, England: Oxford University Press.
- Martin, Elizabeth A 1997. *A Dictionary of Law*, Oxford, England: Oxford University Press.
- Moore, Stephen, ed 1987. *Sociology Alive, Cheltenham*, England: Stanley Thornes.